

اعتراض یکپارچه جهانیان بخاطر اعدام زندانیان سیاسی

نگ و نفرت بر رژیم فقها

* کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد با صدور بیانیه‌ای اعدام‌های دسته جمعی توسط جمهوری اسلامی را به شدت محکوم کرد

* سازمان عفو بین الملل درباره موج جدید اعدام زندانیان سیاسی ایران هشدار داد

جمهوری اسلامی را بشدت محکوم کرد. در این اطلاعیه که در مجمع عمومی سازمان ملل نیز طرح خواهد شد قید شده است که اندکی قبل و پس از برقراری آتش بس در جنگ خلیج، موج جدید اعدام مخالفان رژیم در ایران آغاز شده است. در بیانیه کمیسیون حقوق بشر بر ضرورت کنترل دائمی رفتار رژیم در قبال حقوق بشر تاکید شده است. در بیانیه مذکور آمده است: "تعداد زیادی از زندانیان سیاسی وابسته به گروه‌های مختلف اپوزیسیون در ماه‌های ژوئیه، اوت و آغاز سپتامبر اعدام شده‌اند."

تعداد اعدام شدگان اخیر به نقل از "برخی نیروهای اپوزیسیون" ۱۱۴۰ نفر ذکر شده است.

"رنالدو کالیندوپل" مامور ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در اطلاعیه مزبور بر نگرانی شدید بین المللی نسبت به حقوق بشر در ایران تاکید کرده است.

"رنالدو کالیندوپل" که از طرف سازمان ملل در مورد پی گیری امر حقوق بشر در ایران ماموریت ویژه دارد، منابع کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در این اطلاعیه را "ایرانیان تبعیدی" و "منابع فقرو وابسته" ذکر کرده است.

بقیه در صفحه ۲

ژنو: مذاکره برای اجرای طرح چهار ماده‌ای دبیرکل سازمان ملل

هفته گذشته، پس از بروز یک ماه وقفه در پیشبرد مذاکرات صلح بین جمهوری اسلامی و عراق، سومین روز مذاکرات مستقیم طرفین در ژنو آغاز شد. هدم موفقیت دو دور گذشته مذاکرات صلح در دستیابی به یک توافق اجرائی به منظور متوقف ساختن مناد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل، توجه ممکن را به چگونگی پیشرفت سومین دور مذاکرات جلب کرده بود. سومین دور مذاکرات صلح بین جمهوری اسلامی و عراق که در دو سطح ملاقات هیاتهای کارشناسی و ملاقات وزرای امور خارجه دو کشور در ژنو دنبال می‌شود، تا روز دهم نوامبر ادامه خواهد یافت و پس از آن مذاکرات با هدایت و نظارت الیاسون سوئدی دنبال خواهد شد. مذاکرات دور سوم بین جمهوری اسلامی و عراق بر اساس طرح چهار ماده‌ای پرز دو کوئینار دبیرکل سازمان ملل متحد صورت پذیرفت. طرح چهار ماده‌ای دبیرکل سازمان ملل متحد که معطوف به ایجاد شرایط لازم برای تحکیم قرار آتش بس ۲۰ آگوست و اجرای مفاد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت است، با تاکید بر تقدم و تاخر محورهای آن عبارتست از:

بقیه در صفحه ۳

روز پنجشنبه سوم نوامبر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل طی اطلاعیه‌ای اعدام‌های دسته جمعی زندانیان سیاسی در ایران توسط



دوشنبه ۱۶ آبان ۱۳۶۷ برابر ۷ نوامبر ۱۹۸۸
بها ۶۰ ریال - سال پنجم - شماره ۲۳۲

اسناد مصور کشتار زندانیان سیاسی



سریک شهید بر پای شهیدی دیگر

عکس‌هایی از یک گور جمعی در خاوران نیش آثار جنایاتی مخوف

در صفحات ۹ و ۸

در این شماره

- * توطئه تازه علیه پناهندگان بلوچ در پاکستان ----- در صفحه ۷
- * تخلیه اجباری ۱۵ روستا در بانه ----- در صفحه آخر
- * خبرنگار جنبش باشیم ----- در صفحه آخر
- * در آلبانی چه میگذرد؟ ----- در صفحه ۱۴

شکنجه زندانیان سیاسی فرا تراز حد و مرز

چنین در هم کوفته و شکنجه شده‌اند و زمانی که امری حاکم بنا را بر کشتار جمع و وسیعی از زندانیان سیاسی گذاشته‌اند، می‌توان منطقاً ابعاد شکنجه‌های افعال شده بر مجموعه زندانیان سیاسی بویژه آذانی که کمر به قتل آنها بسته‌اند را در یکی دو ماهه اخیر نتیجه گرفت. منطق حیوان صفتان حاکم بر کشور و بر جان بهترین فرزندان خلق ما این است: از مرگ زندانی در زیر شکنجه و اهمه‌ای نیست. مرگ او خود هدف است. شاید در هم شکسته و زبان گشوده بمرید. بگذار در زیر شکنجه بمرید.

آری این گفتارهای قرون و اعصار در تمام این مدت پیکره‌های عزیزان زندانی ما را در هم می‌درینده‌اند و هم اینک نیز می‌درند. دهن شدگان تنها تیر باران شدگان نیستند، پیکره‌های از هم دریده‌ای هستند که در مواردی حتی به تیر خلاص هم نیاز نداشته‌اند.

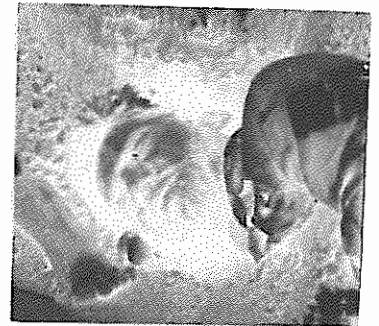
آیا مادر مقابل این عزیزان در بند، در مقابل این پیکره‌های بی دفاع، در مقابل فرزندان اسیر مردمان در مقابل هم‌زمان اسیرمان به همه و وظایف خود عمل کرده‌ایم؟ آیا به وظایف خود عمل می‌کنیم؟ ...

حاکمان آدم‌خوار جمهوری اسلامی بنا را بر کشتار وسیع زندانیان سیاسی گذاشتند و به دنبال آن در مرداد ماه ملاقات‌ها را بکلی قطع کردند. از آن زمان تا اوایل مهرماه دژ خیمان تمام تلاش خود را بکار بردند تا از بروز هر گونه خبری به بیرون از دیوارها و سردابه‌ها جلوگیری کنند. ملاقات‌ها در مهر ماه آغاز شد. بسیار محدود و کنترل شده؛ در زندان. اوین تنها به بخشی از زندانیان بندهای "گاراگاه" و "جهاد" امکان ملاقات داده شد. و این زندانیان چگونه به دیدار خانواده‌های خود آمدند؟ همه مضروب و شکنجه شده، گویی از بستر بیماری مرگ بر خاسته‌اند. خانواده‌های زندانیان دیگر بندها کمتر اجازه دیدار عزیز زندانی خویش را یافتند؛ جواب‌های سر بالا و سر دوانیدن: "زندانی شما اینجا نیست". "۲۵ روز دیگر بیاید". "خودمان با تلفن خبرتان می‌کنیم"، "شاید مرده باشد، ما خبری نداریم" ... و جدا از کشتارها اخبار متعدد از شکنجه و آزار بی‌حد زندانیان.

زمانی که زندانیانی که شکنجه‌گران به ملاقات آنها با خانواده‌هایشان رضا داده‌اند این

نگ و نفرت بر رژیم فقها

بقیه از صفحه اول



جمعیوری اسلامی در زندان‌ها در رسانه‌های گروهی و روزنامه‌های کشورهای مختلف نیز بازتاب وسیعی یافت این امر خلاف محاسباتی است که رژیم در این زمینه کرده بود. رژیم ددمنش جمهوری اسلامی می‌کوشید اهداف پلید خود در مورد کشتار زندانیان سیاسی را با تکیه بر دو عامل زیر به انجام برساند:

از فضای مطلق توجه جهانیان به امر صلح در خاورمیانه و مذاکرات جاری بین رژیم‌های ایران و عراق جهت کشتار زندانیان در خاموشی سودجسته شود.

تمایل برخی کشورهای غربی به انعکاس چهره کمتر نفرت‌انگیز از جمهوری اسلامی بخاطر چشم‌انداز منافع ناشی از شرکت در امر بازسازی مورد استفاده قرار گیرد.

چندان دور از واقعیت نخواهد بود اگر بر دو عامل ذکر شده، امر محاسبه رژیم بر روی کم‌تحرکی و تفرقه مجموعه نیروها و سازمان‌های ایوژیسیون در دفاع یکپارچه و متحد از زندانیان سیاسی افزوده شود. بدین ترتیب نقشه یکی از جنایتبارترین کشتارها مطرحی شد.

صدور اطلاعیه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و انعکاس گسترده آن توسط کشتار در سکوت و خفا را هر چند دیر اما بالاخره باشکست مواجه کرد. اکثر روزنامه‌های معتبر سیاسی، بخش‌های خبری برخی شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی اروپایی و تقریباً همه رادیوهای دارای برنامه فارسی در خارج از کشور اطلاعیه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل را درج و یا پخش کرده و نسبت به اهدام‌های جمعی در زندان‌های ایران ابراز نگرانی کرده‌اند. ابعاد محکومیت جهانی رژیم خونخوار ولایت فقیه در کشتار زندانیان سیاسی همچنان رو به گسترش است.

در اطلاعیه کمیسیون حقوق بشر تاکید شده است که زندانیان بشدت شکنجه شده‌اند. در اطلاعیه مذکور تید شده است که بسیاری از اهدام شدگان تنها هواداران گروه‌های اپوزیسیون و یا مخالفان وضعیت سیاسی موجود بوده‌اند. در اطلاعیه کمیسیون حقوق بشر همچنین شکنجه و آزار و ابستگان اقلیت مذهبی بهایی نیز مورد ذکر قرار گرفته است.

سازمان حقوق بین الملل با صدور بیانیه‌ای نسبت به ابعاد کشتار در زندان‌های ایران هشدار داد. در اطلاعیه سازمان حقوق بین الملل بر وضعیت نامشخص زندانیان سیاسی و نگرانی موجود در باره سر نوشت آنان تاکید شده است: بالا گرفتن ابعاد آزار و شکنجه زندانیان سیاسی در ایران و گسترده‌گی میزان دستگیری‌های اخیر انجام یافته موارد دیگری هستند که در بیانیه حقوق بین الملل بر آنها تاکید شده است.

واکنش مقامات رژیم

رسوایی رژیم جنایتکار فقها و گسترده‌گی توجه بین المللی به ابعاد جنایات هولناکی که در سیاهچال‌های این رژیم تاکنون اتفاق افتاد، و هم اکنون در جریان است، مامورین رژیم را از پاسخ‌های کلیشه‌ای و همیشگی و انکار این جنایات عاجز کرده است. منشی اول نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل در پاسخ خبرنگاران ابراز داشت که هنوز در این باره چیزی نمی‌تواند بگوید وی گفت: دولت ایران سئوالات سازمان ملل در زمینه اهدام‌ها و زندانی‌ها را در دست بررسی دارد و به آن پاسخ خواهد داد. مسئولین سفارتخانه‌های رژیم در برخی کشورهای دیگر نیز مشابه همین جواب را ارائه کرده‌اند. سران جنایتکار حکومت پس از صدور اطلاعیه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل تاکنون سکوت اختیار کرده‌اند. جنایت‌های خوفناک اخیر سران

حرکتی متحد و امیدبخش

گسترده نیروهای شرکت کننده در آن بود، قطعنامه‌ای صادر شد که بخشی از آن به قرار زیر است: "جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران خواستار توقف بلادرنگ شکنجه و آزار زندانیان سیاسی و آزادی بی‌قید و شرط آنان است. ... از تمامی ارکان‌های مدافع حقوق بشر، شخصیت‌های انساندوست و مجامع ایرانی ذیربط می‌خواهیم: در جهت لغو فوری اهدام و شکنجه در ایران از تمام امکاناتشان بهره گیرند.

جنایات به اوج رسیده در زندانهای جمهوری اسلامی را محکوم کنند. - هیئت‌هایی را در اسرع وقت برای بازدید و بررسی زندانهای ایران و وضعیت جسمی و روحی زندانیان سیاسی به کشورمان اعزام نمایند."

از سوی "جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی" که طیف وسیعی از فعالین سازمانهای مختلف سیاسی ایرانی و ایرانیان منفرد را حول امر مشترک دفاع از زندانیان سیاسی در خود متشکل ساخته است تظاهراتی در شهر کلن - آلمان ندرال سازمان داده شد. در این تظاهرات که قریب ۲۵۰ نفر از ایرانیان مقیم این شهر شرکت داشتند بر خواست نیروهای مترقی از سازمان ملل متحد دایر بر اعزام یک هیئت بازرسی از زندان‌های ایران تاکید شد و در خواست گردید که در صورت مخالفت رژیم ایران با اعزام چنین هیئتی، این مخالفت بازتاب یابد. در پایان این تظاهرات که ویژگی آن یکپارچگی و طیف

ژنو: مذاکره برای اجرای طرح چهار ماده‌ای دبیرکل سازمان ملل

بقیه از صفحه اول

بعقب نشینی نیروهای نظامی دو طرف به پشت مرزهای تعریف شده بین المللی

بمبادله اسرای جنگی

آزادی کشتیرانی در آبهای خلیج و کشتیرانی در تنگه هرمز، بدون حق بازرسی کشتی‌ها

لایروبی شط العرب

دولت عراق پیش از آغاز سومین دور مذاکرات صلح در ژنو، پیشنهاد کرده بود که همه اسرای جنگی بدون تیدوشروط بی درنگ مبادله گردند. وزیر کشور عراق همان موقع اعلام کرده بود که نباید مسئله اسرای جنگی را با پیرویه مذاکرات صلح مخلوط کرد. طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق در تماس خود با کورنیو سومارکا رئیس کمیته بین المللی صلیب سرخ اعلام کرده بود که دولت عراق با اتکا بر بند ۱۱۸، کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو، آمادگی دارد همه اسرای جنگی ایرانی را آزاد کند، مشروط بر اینکه جمهوری اسلامی نیز دست به اقدام متقابل بزند. خبرگزاری‌های رسمی بین المللی، تعداد اسرای جنگی دو طرف را بالغ بر یکصد هزار نفر گزارش کرده‌اند. این در حالی است که تاکنون واز جمله در روز شنبه گذشته، مجموعاً چند صد نفر از اسرای جنگی اسرای جنگی معلول آزاد شده‌اند. جمهوری اسلامی در همان زمان و همچنین در آغاز سومین دور مذاکرات صلح در ژنو، با پیشنهاد عراق، جینی بر مبادله بلادرتگ اسرا مخالفت ورزید. جمهوری اسلامی اعلام کرده است که مبادله اسرا تنها در چارچوب اجرای مفاد قطعنامه ۵۹۸، قابل قبول می‌باشد. براساس طرح

دبیرکل سازمان ملل متحد، مبادله اسرای جنگی، بند سوم طرح را به خود اختصاص داده است. بدین ترتیب مخالفت فیرانسائی جمهوری اسلامی با مبادله بلادرتگ اسرای جنگی، تاکنون مانع از آن شده است که اسرای جنگی، این قربانیان جنگ بیهوده، به کشورهای خود بازگردند.

سومین دور مذاکرات صلح ایران و عراق در شرایطی آغاز به کار کرد که خطر شکسته شدن آتش بس، هنوز منتفی نشده است. خاویر پرزدوکوئیاری دبیرکل سازمان ملل متحد، هفته گذشته در مصاحبه‌ای با روزنامه فرانسوی "نیکارو" اعلام کرد که آتش بس ۲۵ آگوست، حالت بسیار شکننده‌ای دارد. وی ضمن اعلام این مطلب گفت که دستیابی به یک توافق اجرائی در زمینه متحقق ساختن مفاد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و بویژه انجام عقب نشینی نیروهای دو کشور به پشت مرزهای تعریف شده بین المللی برای حفظ و تحکیم آتش بس و پیشرفت مذاکرات صلح، از نقش غیرقابل انکاری برخوردار است. دبیرکل سازمان ملل متحد همچنین اعلام کرد که آرایش نظامی طرفین در جبهه‌های جنگ در لحظه حاضر، به شدت خطرناک می‌باشد. وی اعلام کرد که در برخی از نقاط جبهه‌های جنگی فاصله سربازان ایرانی و عراقی تنها ۲۵ متر می‌باشد. دبیرکل سازمان ملل متحد گفت اینکه دو سرباز این چنین و با این فاصله اندک رودر روی هم قرار گرفته‌اند، میتواند بر لحظه ناجعه‌ای بیافریند.

ناظران بین المللی بزرگترین



دبیرکل سازمان ملل در دیدارهای جداگانه با ولایتی و طارق عزیز

سازمان ملل، به معنی اجرای همه جانبه آن است. کیهان مدعی شده است که دبیرکل سازمان ملل متحد در مذاکرات صلح از خود قاطعیت نشان نمی‌دهد و عدم تشکیل "کمیته تعیین متجاوز" را بعنوان دلیلی بر این ادعا ارائه نمود.

از سوی دیگر مانور نظامی شورای همکاری خلیج که با حضور چنگنده‌های شش کشور عضو این شورا بمدت دو روز صورت می‌گیرد، هملاهی‌تواند در پیشرفت مذاکرات صلح تأثیرات منفی بر جای نهد.

خاویر پرزدوکوئیاری، دبیرکل سازمان ملل متحد، از پیشرفت محسوس در مذاکرات صلح سخن گفته است. بنا به اظهارات خاویار پرزدوکوئیاری، مذاکرات به مرحله‌ای کارشناسی دو طرف همراه با کارشناسان سازمان ملل متحد، بتوانند به یک آئین نامه اجرائی مشترک دست یابند. بی‌گمان مبادله بلادرتگ اسرا و عقب نشینی نیروهای نظامی به پشت مرزهای بین المللی میتواند در تحکیم آتش بس و پیشرفت مذاکرات صلح، تأثیر بسزایی داشته باشد.

مستمک بر سر راه عقب نشینی نیروهای جنگی دو طرف را، همانا مسئله "مرزهای بین المللی" اعلام کرده‌اند. و اظهار داشته‌اند که تعیین این مرزها بگونه‌ای که برای دو طرف قابل پذیرش باشد، یکی از دشواریهای جدی در تحقق محور عقب نشینی نیروهای جنگی محسوب می‌شود.

خبرگزاری رویتر از ژنو گزارش داد که در سومین دور مذاکرات صلح جمهوری اسلامی و عراق، پیشرفت محسوسی صورت گرفته است. خاویر پرزدوکوئیاری ضمن اعلام تحقق این پیشرفت محسوس، اظهار داشت که این پیشرفت محسوس هنوز به معنای یک موفقیت قطعی نیست. جمهوری اسلامی در آخرین روزهای هفته گذشته در جریان مذاکرات اعلام کرد که با طرح چهار ماده‌ای دبیرکل سازمان ملل متحد توافق دارد و اما در زمینه بند چهار طرح - لایروبی شط العرب - معتقد است که این بند تنها در چارچوب قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر مورد اجرائی باشد.

کیهان آبان در تفسیر سیاسی پیرامون مذاکرات صلح عنوان کرده است که اجرائی مفاد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت

اعتصاب غذا در دورتموند آلمان فدرال

صورت گرفت. اعتصاب غذا کنندگان که تعدادشان در آغاز حرکت ۳۵ نفر بود، در سالن "حزب سبزها" دست به اعتصاب غذا زدند. آنان از نمایندگان مجلس آلمان فدرال خواسته‌اند که مساله اهدام‌های گروهی در زندان‌های ایران را در دستور گذاشته و آنرا محکوم کنند.

بخاطر افشای جنایات جمهوری اسلامی در زندان‌های کشور و نجات جان دیگر زندانیان سیاسی از روز جمعه ۶ نوامبر (۱۳ آبان) اعتصاب غذایی در شهر دورتموند آلمان فدرال آغاز شد. این اعتصاب غذا بنا به دعوت مشترک "مرکز ایرانیان دورتموند"، "مرکز ایرانیان اس" و "انجمن پناهندگان ایرانی در هاگن"

قیمت نفت سقوط کرد

به گزارش خبرگزاری رویترز آژانس بین المللی انرژی هفته گذشته اعلام کرد ۱۳ کشور عضو اوپک با صدور بی رویه نفت، بازار جهانی نفت را اشباع کرده اند و هم چنان روزانه چند میلیون بشکه نفت بیش از سقف تعیین شده این سازمان به بازار عرضه می کنند. بنا بر گزارش آژانس بین المللی انرژی، تولید و صادرات اوپک هم اکنون روزانه بیش از ۲۲ میلیون بشکه است و حجم آن بالاترین میزان تولید طی چند سال اخیر می باشد.

هفته گذشته سوپروتو وزیر نفت اندونزی و دبیرکل اوپک برای چندمین بار هشدار داد که تخلف برخی کشورهای عضو از سهمیه مقرر، سبب برهم خوردن توازن عرضه و تقاضا در بازار بین المللی نفت شده است. بیشترین تخلف توسط کشورهای صادرکننده نفت حوزه خلیج صورت می گیرد، سوپروتو از عراق به عنوان یکی عوامل اصلی افزایش عرضه نفت یاد کرد و گفت اگر عراق در اجلاس ماه آینده وزیران نفت اوپک در وین شرکت نکند و از همکاری با دیگر کشورهای عضو خودداری ورزد، بحران ابعاد گسترده تری خواهد یافت.

وزرای نفت ایران و عراق و ۶ کشور دیگر عضو اوپک در مادرید گرد آمدند و بعد از سه روز گفتگو بر سر تعیین سهمیه، قیمت پایه و برنامه های بلند مدت اوپک، قرار شد که ایران و عراق از طریق گفتگوی دو جانبه اختلافات خود را بر سر برابری سهمیه "تولید" و یا "صادرات" حل کنند تا امکان حصول توافق در اجلاس آتی فراهم شود. جمهوری اسلامی به دلیل بالاتر بودن میزان مصرف داخلی نفت موافق سهمیه "صادرات" مساوی با عراق است در حالی که عراق از سهمیه تولید مساوی دفاع می کند. میزان مصرف داخلی نفت ایران ۷۵۰ هزار بشکه در روز و میزان مصرف عراق ۳۵۰ هزار بشکه اعلام شده است.

انعکاس گزارش اجلاس مادرید و هدم توافق ایران و عراق سقوط قیمت نفت را شتاب داد و قیمت نفت نوع برنت دریای شمال و نوع "فاتح" دومی کاهش یافت. هم اکنون قیمت نفت خام سبک نوع فاتح دومی که معیار نفت ایران نیز هست به کمتر از ۱۰ دلار سقوط کرده است.

در ایران برای هر ۲۶ هزار دانشجو

یک نشریه علمی منتشر میشود

از میان هزاران عنوان مجله، روزنامه و ماهنامه علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و... که در جهان انتشار می یابد تنها چند عنوان مثل تایم و نیوزویک در تیراژی کمتر از ۵۰۰ نسخه به ایران وارد می شود و همین اندک نسخه نیز در اختیار ادارات دولتی قرار می گیرد. در داخل کشور در سال برای هر ۴۵۰۰ دانشجو فقط یک عنوان کتاب جدید منتشر می شود که اگر بر حسب تخصصی مورد درازایی قرار گیرد برای هر ۲۶۰۰۰ دانشجو تنها یک نشریه علمی و تخصصی در ایران انتشار می یابد. بقیه در صفحه ۱۳

طرح جدید آئین دادرسی کیفری اسلامی

خود قاضی می باشد از جاع می دهد." مقتدایی اشکالاتی که قبلا وجود داشت را چنین برشمرد که: "احضار متعم و جلب و بازجویی آن و استماع اقرار و استماع شهادت شهود تنها در صلاحیت قاضی است که حکم صادر می کند و فصل خصومت می نماید. بنابر این اقداماتی که از سوی دادیار، بازپرس و یادادستان بدلیل اینکه قاضی پرونده نیستید، انجام می شود صحیح نیست."

سخنکوی شورای عالی قضایی امتیازات طرح جدید آئین دادرسی کیفری را با ذکر عبارات زیر بیان کرد: "این طرح از دوباره کاریها و نوبت های متعدد، معطلی پرونده و اینکه گاهی متهمین در دادسرا اقرار می کنند و در دادگاه انکار می کنند و مشکلاتی را بوجود می آورد رفع خواهد کردید."

آدم ربایی دیپلمات های جمهوری اسلامی

ناحیه رفاهیه نزدیک ارسنجان دستگیر کرد و به استانبول انتقال داد. بعد از افشای آدم ربایی دیپلمات های جمهوری اسلامی، وزارت امور خارجه تلاش کرد که از بازتاب آن جلوگیری کند اما هلیرم دستور رسمی دولت و مخالفت پلیس، مطبوعات و نیروهای مترقی خبر آدم ربایی دیپلمات های دولت تهران را در ابعاد وسیع فاش ساختند. برخی روزنامه ها با چاپ هکس دیپلمات های جمهوری اسلامی و انتشار گزارش اقدامات آنان، خواستار شدت عمل دولت شدند.

در فاصله یک روز سخنکوی دولت ترکیه اینبار باتو در تلویزیون ظاهر شد و به سئوالات خبرنگاران پیرامون اهمال تروریستی جمهوری اسلامی توضیح داد و گفت ۴ دیپلمات و ۳ وابسته سیاسی جمهوری اسلامی دستگیر شده اند و تحقیقات ادامه دارد.

حجم نقدینگی بخش خصوصی ۷۰ برابر تعاونی هاست

شدن یکی از این صندوق های استیم و مردم هم در خیابان فردوسی و امثال آن تظاهرات می کنند و از مسئولان و نمایندگان می خواهند که پولشان برگردد". وی در ادامه توضیحات خود گفت: "جریان این صندوق ها امروز به بخش خصوصی وصل شده و حجم نقدینگی این بخش در حال افزایش است

... شرکت میلادان وابسته به صندوق قرض الحسنه جاوید فقط در رابطه با خود کار ۲۴ میلیون تومان گرفتاری کرده بود. حدود ۵۰ درصد از این صندوق های قرض الحسنه نیز وابسته به سازمان اقتصاد اسلامی هستند که این سازمان همده ترین جریانهای اقتصادی را در کشور رهبری می کند. ۴۴ سخنران با اشاره به تجارت سالیانه برنج، اظهار داشت که ارزش کل تجارت برنج در سال حدود ۴۵ میلیارد تومان است و ۸ میلیارد تومان سود آن در انحصار ۲ هزار تاجر می باشد. در حالی که حقوق کل کارگران کشور در سال کمتر از آن است.

بر اساس طرح جدید آئین دادرسی کیفری مصوب شورای عالی قضایی، از این پس، پیش از صدور حکم قاضی دادگاه، در دادسراها برای مراجعین پرونده ای جست تحقیق و رسیدگی به شکایات آنان تشکیل نخواهد شد. قرار است "طرح جدید" پس از تایید مجلس به اجرا گذاشته شود. مقتدایی سخنکوی شورای عالی قضایی روز چهارشنبه ۴ آبان در مصاحبه مطبوعاتی در مورد چگونگی طرح حذف رجوع پرونده به شعب دادسرا و تحقیق گفت: "در این طرح مراجعات اولیه به طور کلی به دادگاه نزد قاضی صورت می گیرد و قاضی دادگاه با بررسی اگر دید مقدمات حکم تمام است همان جا حکم صادر می کند و به مرحله اجرا گذاشته شده و پرونده مختومه می گردد و چنانچه قاضی تشخیص داد که پرونده احتیاج به تحقیق دارد آن را به شعب دادسرا یا شعب تحقیق که زیر نظر

در پی افشای عملیات تروریستی دیپلمات های جمهوری اسلامی در ترکیه، دولت این کشور ۴ دیپلمات جمهوری اسلامی را از خاک ترکیه اخراج کرد. این ۴ دیپلمات همراه سه تن دیگر از وابستگان سیاسی جمهوری اسلامی روز سه شنبه سوم آبان، در حال عملیات آدم ربایی در خاک ترکیه توسط ماموران انتظامی بازداشت شده بودند. آنها یکی از مخالفان رژیم (وابسته به سازمان مجاهدین خلق) را ربوده و قصد داشتند او را به وسیله دو اتومبیل مرسدس بنز با شماره سیاسی سفارت جمهوری اسلامی از ترکیه خارج کنند و به تهران انتقال دهند. اقدام دیپلمات های جمهوری اسلامی هنگام خرید بنزین در جاده ای که به ایران منتهی می شود، توسط کارکنان پمپ بنزین کشف و به پلیس گزارش شد. پلیس ترکیه دیپلمات ها را در ۶۰۰ کیلومتری مرز ایران در

"تعاونیها در سراسر کشور ۱۰ میلیون نفر عضو دارند و حجم نقدینگی موجود در دست بخش خصوصی که همدا تاجار بزرگ هستند ۷۰ برابر موجودی بخش تعاونیهاست". این مطلب در جلسه هئتی مجلس توسط یکی از نمایندگان به نقل از معاون اجرایی موسوی نخست وزیر مطرح شد.

بخش قابل توجهی از موجودی بخش خصوصی در چارچوب و یا در ارتباط با صندوق های قرض الحسنه سرمایه گذاری می شود.

هفته گذشته نماینده ای ضمن اشاره به تاریخچه صندوق های قرض الحسنه گفت: "بعد از پیروزی انقلاب تاکنون ۳ هزار صندوق رسمی در وزارت کشور به ثبت رسیده اند که اغلب اینها کارهای خدماتی و تجاری و واسطه ای انجام می دهند و حدود ۱۰۰ میلیارد تومان سپرده های مردم... در این صندوق ها متمرکز شده و ما هر روز شاهد تعطیل

اعتصاب رانندگان در تنکابن

در اعتراض به اجرای نرخ تصویبی اداره راه و ترابری، رانندگان اتوبوسها و مینی بوسهای مسیر هربازندران-تهران دست از کار کشیدند و مسافرت مردم این منطقه به مناطق دیگر متوقف شد.

اداره راه و ترابری با ابلاغ تعرفه کرایه اتوبوسها و مینی بوسهای مسیر تنکابن به تهران خواستار اجرای ابلاغیه توسط اتوبوس داران شد. در اعتراض به همین تصمیم تردد اتوبوسها و مینی بوسها از روز پنجشنبه ۲۱ مهر ماه متوقف شد و هیچ اتوبوسی برای انتقال مسافرتین به تهران حرکت نکرد.

در سال جاری چندین مورد اعتصاب رانندگان مینی بوس و اتوبوس در مناطق مختلف کشور رخ داده است. علت بروز این اعتصابات، گرانی کمرشکن لوازم یدکی وسائط نقلیه است که تامین آن برای رانندگان ضمن حفظ کرایه در حد کنونی ناممکن است. افزایش کرایه نیز فشار تازه ای بر مردم اعمال می کند و با اعتراض آنها مواجه می گردد. دولت که خود مسبب اصلی گرانی لوازم یدکی و به تبع آن کرایه وسائط نقلیه است، در اینگونه موارد سعی می کند عوامفریبانه خود را پشتیبان خواسته مردم وانمود سازد و مضمون اصلی اعتراض رانندگان را که واکنش در برابر افزایش مداوم بهای لوازم یدکی و نیز هزینه زندگی است، لاپوشانی نماید.

"کشور دیگر آخوند نمی خواهد"

"در جریان برگزاری یک سمپوزیوم معدن در کرمان در تیرماه امسال، یک استاد دانشگاه در سخنان خود گفت "کشور دیگر آخوند نمی خواهد، بلکه به مجتهدس احتیاج دارد". این سخنان "جسورانه" سخت به موسوی نخست وزیر و سایر مقاماتی که حاضر بودند، برخورد. چندروزی بیشتر طول نکشید که آن استاد دانشگاه را در تهران بازداشت کردند. هنوز از سر نوشت او اطلاعی در دست نیست."

ادامه تحصیل به شرط پرداخت شهریه

مطابق قانون تحصیل رایگان است، اما عملاً تحت عنوان گوناگون از والدین دانش آموزان برای ثبت نام فرزندان شان اخاذی می کنند. مبالغ اخاذی شده در عمل همان شهریه محسوب می شود. در سال جاری همه خانواده ها مجبور شدند برای ثبت نام هر دانش آموز مبالغی از ۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ ریال به آموزش و پرورش بپردازند. مدیران مدارس به والدین متذکر می شدند که در صورت عدم پرداخت مبالغ مقرر، ثبت نام فرزندان شان مقدور نخواهد بود.

پروژه شماره ۱۱۰

"... سازمان انرژی اتمی پروژه کاملاً محرمانه ای را با شماره ۱۱۰ در قزوین در دست اجرا دارد. از میان کارکنان خود این سازمان هم تعداد بسیار کمی از این پروژه اطلاع دارند. آنچه که شنیده میشود این است که این پروژه در جهت فنی سازی اورانیوم مطالعاتی انجام می دهد، با توجه به محرمانه بودن شدید طرح و فرستادن کارشناسان سازمان انرژی اتمی به پاکستان برای مطالعات در زمینه فنی سازی اورانیوم از آنجا که پس مانده های اورانیوم مستقیماً می تواند برای ساخت بمب اتمی استفاده شود. می توان حدس زد که جمهوری اسلامی جوس ساخت بمب اتمی را در سر می پروراند."

گرانی ارزاق و کمبود نان در تهران

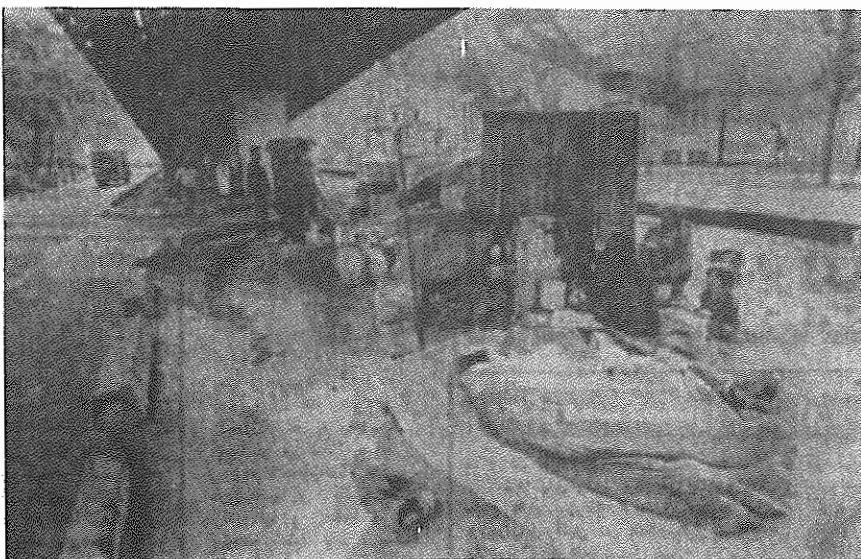
نباید خالی باشد، تقلیل عرضه آرد باید ناشی از این پیش بینی رژیم باشد که در نتیجه افلاس، قادر به تامین ارز طی ماههای آتی برای واردات گندم در حد مورد نیاز کشور نیست. از این رو با تقلیل عرضه آرد، قصد صرفه جویی در کاربرد ذخایر موجود را دارد.

اکنون نرخ برخی از کالاها در تهران به شرح زیر است:

تخم مرغ هر شانه	۱۶۰۰ ریال
سیگار تیریک بسته	۸۵۰ ریال
برنج یک کیلو	۲۹۰۰ ریال

بهای ارزهای خارجی که پس از پذیرش قطعنامه به شدت سقوط کرده بود، اگرچه هنوز نتوانسته است به سطح پیشین برسد، اما افزایش قابل توجهی یافته است. فی المثل یک مارک آلمان فدرال در حدود ۵۰ تومان معامله می شود.

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی رژیم، در میان مردم این امیدواری پدید آمد که بهای ارزاق و کالاهای اساسی کاهش خواهد یافت. سقوط نسبی بهای برخی از کالاها در هفته های اولیه، این امیدواری را افزایش داد. اما پس از آن روند معکوسی آغاز گردید که تا به امروز همچنان ادامه دارد. طی این روند، بهای کالاها یکبار دیگر افزایش یافت و جز در موارد محدودی به سطح پیشین بازگشت. موارد محدود مزبور شامل اقلامی می شود که مورد مصرف عموم نیست. علاوه بر این عرضه برخی از کالاها محدودتر از پیش شده و کمبود آنها شدت بیشتری یافته است. از جدی ترین نمونه های این موارد، کمبود نان است که حتی در تهران پایتخت کشور نیز محسوس است. صف های نانوایی ها درازتر شده است و به هر نفری بیش از ۵ عدد نان نمی دهند. این در شرایطی است که فصل برداشت گندم تازه به پایان رسیده است و سیلوها



در آواز فصل سرما، با اجرای حکم تخلیه، از سربیی پناهی به زیر پل پناه آورده اند

بحران مسکن، بحران حاد اجتماعی



بحران مسکن، بی‌کمان یکی از معضلات اصلی اجتماعی و نمودیک نابسامانی حاد اجتماعی است. کمبود فاحش و کرائی مسکن و تراکم فوق‌العاده افراد در یک واحد مسکونی، در مجموع هملاینک خود، بازتابگر بحران مسکن حاد حاکم بر کشور می‌باشند. اما بحران مسکن، بحرانی محصل لحظه نیست و برای خود گذشته‌ای دارد، ولی سیاستهای جمهوری اسلامی در کلیت خود تأثیری مشدد بر بحران مسکن داشته‌است و بحران مسکن در اثر سیاستهای جنگ افروزان رژیم جمهوری اسلامی و کاربست سیاستهای مخرب در عرصه اجتماعی، تعطیل شدن عملی اقدامات عمرانی، در قیاس با دهه‌های گذشته، دو چندان گشته است.

سپیل آوارگان، این خیل رانده شده از روستاهای متروک، جنگ‌زدگان، آشیان برادر فتنه‌گان، خیل بزرگ جمعیتی روستائی که با امید کوچک یافتن مهر گذرانی، به شهرها روانه شده‌اند، بحران مسکن در شهرها را مدتی باز هم مضاعف بخشیده است. برای دریافت واقعی بحران مسکن، نیاز بر آن است که نخست بحران مسکن را بدون در نظر گرفتن عوامل مشدد آن، تعریف و مشخص کرد و آنگاه به عرصه‌های عملکرد عوامل مشدد در بحران مسکن اشاره نمود.

بحران مسکن بنابر برداشت علمی آن بر دو رکن پایه‌ای استوار است. نخست کاهش شتاب مسکن‌سازی در مقایسه با شتاب رشد جمعیت با تقسیم جمعیت به دو بخش جمعیت شهرنشین و روستائی و عقب ماندن مسکن‌سازی از رشد جمعیت دو عرصه پیوسته را در برمی‌گیرد، اول کاهش نسبت واحدهای مسکونی تولید شده در قیاس با رشد جمعیت کلی کشور و دوم فقدان عرضه کافی مسکن در بخشهای شهری جامعه در مقایسه با جمعیت مهاجر و کوچ‌کننده.

رکن دوم بحران مسکن، ناشی از سهم اجاره مسکن نسبت به درآمد خانواری اجتماع است. هرگاه اجاره‌بهای مسکن بیش از

مقدار معقول و مقبول آن در مناسبات کنونی باشد، آنگاه حتی با عرضه کافی مسکن، باز هم شماری از شهروندان قادر به تصرف یک مسکن مستقل نمی‌باشند.

بحران مسکن در زمان حکومت شاه بر دو وجه رادر خود داشت. بعنوان نمونه هرگاه سرشماری ۱۳۵۵، را بعنوان یک مقطع زمانی شاخص در نظر بگیریم، ملاحظه خواهیم کرد که هم تعداد عرضه واحد مسکونی نسبت به رشد جمعیت پاسخ‌دهنده نیست و هم در شهرهای بزرگ، شمار قابل ملاحظه واحد مسکونی وجود دارد که مستاجر ثابت نمی‌یابد. سرشماری سال ۱۳۵۵ نشان داد که کشور با بحران مسکن حادی مواجه است و جامعه برای تأمین ایجاد یک واحد مسکونی برای هر خانوار، نیاز به تولید ۱۴۰۰۰۰۰ واحد مسکونی دیگر دارد. بدین ترتیب مطابق داده‌های این سرشماری در سال ۱۳۵۵ بالغ بر ۱/۴ میلیون خانوار فاقد مسکن می‌باشند. بر اساس آمار و داده‌های سرشماری سال ۱۳۵۵، در مقابل هر هزار نفر جمعیت کشور تنها ۱۵۹ واحد مسکونی وجود دارد. این موضوع از یک سو نشانگر بی‌شمار افراد جامعه فاقد مسکن و از دگرسو نشانه تراکم فوق‌العاده افراد در واحدهای مسکونی موجود می‌باشد.

رشد جمعیت کشور بطور کلی و اضافه شدن جمعیت مهاجرین

روستائی به شهرهای بزرگ، باعث تشدید بحران مسکن در زمان حکومت جمهوری اسلامی گردید. بر اساس آمارهای رسمی دولتی در سال ۱۳۶۳، بالغ بر ۱/۸۱ میلیون خانوار فاقد مسکن بوده‌اند. این در حالی است که بحران مسکن، بنابر تأثیر عوامل مشدد در سالهای اخیر، فوق‌العاده ابعاد وسیعتری یافته‌است.

تصورگیری واقعیتانه بحران مسکن در جمهوری اسلامی، منوط به مقایسه رشد فزاینده جمعیت کشور، جمعیت مهاجرین جنگی و مهاجرین روستائی با نرخ تولید مسکن سالیانه است. در این خصوص باید بحران کمبود مسکن و بحران عرضه نامتناسب مسکن را نیز از یکدیگر تفکیک کرد. از سال ۱۳۶۳ تاکنون، تعداد پروانه‌های صادره ساختمانی توسط شهرداریهای کشور دارای روندی منفی بوده است. تنها در مقایسه تعداد پروانه‌های صادره ساختمانی در فاصله زمانی ۱۳۶۳ و ۱۳۶۵، با کاهش ۱۹ درصد مواجه خواهیم بود. تولید مسکن بگونه‌ای مداوم دارای روندی منفی بوده است. مسئله استهلاك و تخریب واحدهای مسکونی قدیم نیز در کنار رشد منفی تولید مسکن، در تشدید بحران مسکن جامعه ایران تأثیر می‌نهد. عوامل موثر در کاهش تولید مسکن، عواملی گونه‌گوند و تأثیرات نامتجانسی بر امر مسکن دارند. ولی از آن زمره،

مهمترین عوامل بدین قرارند:

۱- جنگ

جنگ تأثیرات خصلتا متفاوتی بر بحران مسکن داشته‌است. از یک سو مهاجرت ناگزیر به جنگ‌زدگان از نقاط زیر آتش به نقاط امن تر و به ویژه به شهرهای بزرگ، در عدم تناسب عرضه و تقاضای مسکن در شهرهای بزرگ، بی‌نهایت تأثیر نهاد. و از دگر سو ویرانی وارده ناشی از جنگ به بخش مسکن، گرچه هنوز بطور دقیق برآورد شده است، فوق‌العاده عظیم است و بمباران شهرها باعث ویرانی بسیاری از واحدهای مسکونی گردید. جابجائی پیش‌بینی نشده جمعیت در کشور در اثر جنگ و ویرانی و خسارات وارده، در تشدید فوق‌العاده بحران مسکن موثر افتاد.

۲- تولیدگریزی سرمایه

روند تولید گریزی سرمایه و انتقال سرمایه از بخشهای تولیدی و صنعتی به بخشهای بازرگانی و خدماتی که از سال ۱۳۵۵ وارد مرحله تازه‌ای شده بود، در دوران حکومت جمهوری اسلامی و بویژه بر بستر از هم پاشیدگی مقر طبافت اقتصادی کشور در سالهای جنگ، ابعاد بی‌سابقه‌ای یافت. سرمایه‌گذاری در بخش مسکن، توسط صاحبان سرمایه در بخش خصوصی، از آنرو که "فعالیت تولیدی زمان بر" محسوب می‌شود، در سالهای جنگ بطور

توطئه تازه علیه پناهندگان بلوچ در پاکستان

در شماره گذشته نشریه خبر دادیم که قائم مقام وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی و صاحبزاده یعقوب خان وزیر امور خارجه پاکستان با امضای قرارداد جدیدی در اسلام آباد، تصمیم به استرداد "اشرار و مجرمین" گرفتند. این قرارداد نه پیمان مبادله بزهکاران که توطئه جنایتکارانه‌ای است علیه پناهندگان و مهاجرین ایرانی و بویژه فرزندان آواره خلق بلوچ.

این اولین باری نیست که جمهوری اسلامی به بجانه مبارزه با "اشرار و مجرمین" کینه حیوانی خود را نسبت به مبارزین سیاسی در خارج کشور آشکار میکند. زنجیره بلندی از اقدامات "تروریستی" و "دیپلماتیک" جمهوری اسلامی گواه این واقعیت است که بیش از همه در ترکیه و پاکستان بوقوع پیوسته اند.

در میان پناهندگان و مهاجرین ایرانی در پاکستان، آوارگان بلوچ در معرض بیشترین فشارها بوده اند. این فشارها برخلاف تاحیه جمهوری اسلامی و برخلاف سوی مقامات محلی و در شکل مودبانه آن از طرف مسئولین کمیساریای عالی امور پناهندگان سازمان ملل در کراچی اعمال شده و هم اکنون نیز می شوند. یورش ادامه داری که عمدتاً از دوتا سه سال پیش

بنیادی ترین حقوق انسانی پناهجویان بلوچ یعنی حق پناهندگی را هدف قرار داده بود، امروز با عقد قرارداد استرداد "اشرار و مجرمین" ابھاد کیفیتا متفاوتی کسب کرده است.

به گزارش شماره ۱۴ نشریه "پیام شورا"، ارکان شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی - پاکستان - کراچی، نمایندگی کمیساریای عالی پناهندگان در کراچی متکر بر گونه حق و حقوق پناهندگی برای آوارگان و پناهندگان ستم دیده بلوچ است و عمده ترین بجانه این نمایندگی برای نپذیرفتن پناهندگان بلوچ، همانا واقعیت نزدیکی فرهنگی و ملی بلوچ های ایرانی با خلق بلوچ پاکستان است و این ادعا که گویا پناهندگان بلوچ ایرانی می توانند براحتی به محیط اقتصادی - اجتماعی پاکستان جذب شوند و ادامه حیات دهند.

نشریه شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی در همین رابطه می افزاید طی دو سال اخیر کمیساریای عالی پناهندگان در کراچی کارت ۳۵۵ پناهنده را از اعتبار ساقط کرده است که بیش از ۲۵۵ نفرشان را پناهندگان بلوچ تشکیل می دهند. این سیاست همچنان ادامه دارد. یکبار استفاده بیش از حد از امکانات پزشکی بجانه می شود. بار دیگر کثرت دیدار با

مشاورین حقوقی یا اساسا عدم ملاقات با آنها، نرفتن به کلاس انگلیسی یا عدم حضور در کلاس ها و همچنین دست نزدن به اقدام برای مهاجرت از پاکستان دیگر بجانه ها را شامل می شوند. این بجانه های واهی که شرایط امنیتی و معیشتی بلوچ های مهاجر را در معرض خطر جدی قرار داده اند، با همه موازین حاکم بر آماج های انسانی سازمان ملل مغایرت دارند.

برای مسئولین نمایندگی کمیساریا به روشنی آشکار است که نه تنها بلوچ های ایرانی بلکه دیما هزار بلوچ پاکستانی مقیم کراچی هم از بیکاری و زندگی در زیر خط فقر رنج می برند. آنجا نیک آگاسند که پشت دیوارهای "محیط اقتصادی - اجتماعی پاکستان" میلیونها پاکستانی صف کشیده اند و قادر نیستند جذب آن شوند. چه رسد به چند صد مبارز یا زحمتمکش بلوچ که تنها مهر در آمدشان کارت پناهندگی است.

دشمنی با خلق بلوچ ایران و پاکستان حلقه مشترکی است که دو رژیم "برادر" را به هم پیوند می دهد. پس از مرگ ضیال الحق مردم مناطق فقر نشینی چون ملیر، لباری، جھان آباد و کیماری که بخش اعظمشان را بلوچ ها تشکیل می دهند با پایکوبی و فریادهای شادی مرگ دیکتاتور را جشن گرفتند. اینک وزیر امور خارجه

کابینه غلام اسحاق خان زمامدار جدید پاکستان با یاد ژنرال قرارداد را امضا کرده است که دافی از یک ستم دیرینه بر پیشانی دارد. این قرارداد اگر در همان ستمی که شواهد نشان می دهند به اجراء آید، تجاوز بیشتر مانده ایست به حریم انسانیت.

جمهوری اسلامی که بلوچستان ایران را به شکنجه گاه خلق محروم و رنج دیده بلوچ تبدیل کرده و در نتیجه سیاستهای ویرانگرانه اش هزاران بلوچ آواره کشور های خلیج و پاکستان شده اند، در خارج از مرزهای کشور نیز آنان را رها نمی کند. این ترندهای جنایتکارانه نباید بی پاسخ بمانند. از جمله نهادهایی که باید در این راستا اقدام کند، کمیساریای عالی سازمان ملل است. بی شک به اعتقاد بسیاری از مهاجرین ایرانی در پاکستان، یک گام اساسی در این جهت همانا بر آوردن خواستهای آوارگان بلوچ و صدور مجدد کارت پناهندگی برای آنهاست.

ما ضمن هشدار به مراجع جهانی دفاع از حقوق بشر، از همه نیروها و محافل انسان دوست و در راس همه سازمان ملل می خواهیم که نسبت به توطئه تازه دولت های ایران و پاکستان موضع گیری کرده، همه پناهندگان و پناهجویان ایرانی در کراچی و سایر شهرهای پاکستان را از حمایت موثر خود برخوردار سازند. دفاع از پناهندگان و پناهجویان ایرانی و خنثی کردن توطئه دو رژیم "برادر" یک وظیفه درنگ ناپذیر است.



مسکن، بحران هرزه نامتناسب مسکن، کماکان بمثابه بحرانی حاد، بر دوش اجتماع سنگینی می کند

چهارم کاهش داشته است. بحران مسکن، یعنی بحران کمبود مسکن، بحران گرانی

فزاینده ای کاهش یافت. سرمایه داران بیشتر کوشیدند تا با انتقال وجود سرمایه های خود به عرصه های توزیعی، سودهای هنگفت تحصیل نمایند. بورس بازی زمین و مسکن از اینرو و بدین بابت، بر تولید مسکن رجحان یافت.

۳- پروژه های مسکن سازی دولت جمهوری اسلامی که تنها در فکر تامین جنگ و جنگ افزار بود، بگونه ای مداوم از بودجه همبرانی خود کاست و حتی بخش اعظم پروژه های همبرانی بزرگ را تعطیل نمود و بخش دیگر را با در نظر گرفتن سیاستهای ویژه به خود مردم تحویل کرد. کاهش بودجه همبرانی کشور در سالیان جنگ، بدون شک و شائبه بر کاهش

بودجه مسکن سازی نیز تاثیر نهاد. بر اساس آمار رسمی، سهم دولتی بخش مسکن در فاصله زمانی ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۶ بشدت کاهش یافت. در بودجه سال ۱۳۶۲، سهم دولتی بخش مسکن معادل ۶۷/۵ میلیارد ریال بود، همین سهم در سال ۱۳۶۵ به ۳۷/۷ میلیارد ریال کاهش یافت. که بر اساس اعتبارات رسمی حتی این مقدار مصوب هم در عمل پرداخت نشد. بدین ترتیب سهم دولتی بخش مسکن تنها ظرف چند سال به کمتر از یک چهارم رسید. این در حالی است که هرگاه نرخ تورم را نیز در موضوع دخیل نمائیم، آشکار می شود که کاهش سهم دولتی در بخش مسکن بسیار بیش از یک

اسناد مصور کشتار زندانیان سیاسی

عکس‌هایی از یک گور جمعی در خاوران نیش آثار جنایاتی مخوف



او کیست و آن دیگری که تنها پایش از خاک بدر آمده است؟ تفاوتی می‌کند؟ قلب ما آیا ما را فراموشی خواند که بپا خیزیم تا مگر جنایتکاران را از ادامه کشتار باز داریم، دست در دست باهر آنکه با ما بپا می‌خیزد؟ آنکه این ندای قلب خویش را بی‌پاسخ می‌نهد (در بخش‌بندی‌ترین داوری) باید آدم مفلوکی شده باشد... به پاسخ این پرسش بیهوده نیازی نیست که او کیست و یا آن دیگری.



نیش قبر در خاوران که هشجاری و دلاوری بسیاری می‌خواهد، کار دشواری نیست. زیرا همق خاک روی اجساد یک وجب بیشتر نیست، اگر چه همق گور ناپیدا است.



سر یک شهید بر پای شهیدی دیگر. در ازای این گور جمعی چنداست؟ اگر آن را در درازا بکاوند، جسد چند به خون خفته دیگر پدیدار خواهد شد؟ ژرفای این گودال تا به کجاست و شمار همه آنانیکه در این گور جمعی خاک شده‌اند چیست؟ شمار انبوه گورهای جمعی زندانیان سیاسی تیرباران شده، در همه گورستانهای ایران چقدر است؟ با کشتار هر روزه، این گورهای جمعی بیشمار می‌شود.

نه! آنها را به کفن و دفن نیازی نیست. با همان لباسی که بر تن داشتند، در خاک آرمیده‌اند. باکی نیست، زیرا آنها از گروه سرفرازانی بوده‌اند که بهمان‌گونه که زیستند، مردند.



نزدیک به نیم قرن از منکوب شدن فاشیسم سپری شده و هنوز حکومتی فرصت می‌یابد گورهای جمعی بپا کند. از کجا گستاخی این تبه‌کارها را یافته است؟ این گستاخی نباید بی‌پاسخ بماند. تبه‌کارهای این رژیم هیولائی، لکه‌ننگی بر دامن بشریت است.



.. آنها را دیده‌ده و صدمه صد میکشند، آنها که در زندان بمتابه پرچم مقاومت خلق سرفراز ایستاده‌اند. آن‌ها را شبانه در گودالی که باشتاب در خاوران کنده‌اند، باشتاب خاک می‌کنند و می‌روند. دژ خیم‌ها! این ماه‌ها غمبارترین دوره از دوران کشتار گروهی زندانیان سیاسی ایران است. همه در دردماتم و خشمی توانانه می‌پرستند، چه می‌کنند دژ خیم‌ها؟ در انتقام از مردم با این عزیزترین فرزندان مردم چه می‌کنند؟ به هیچ‌کس و هیچ پرسشی پاسخ نمی‌دهند. در پشت دیوار برج زندان، مسلسل‌ها از کار باز نمی‌مانند. گورکن‌ها گودال‌هایی می‌سازند که سپیده‌دمان با نعش شهیدان انباشته می‌شود. خاکی بر آن می‌پاشند تنها از آن رو که اجساد دیده نشوند و می‌روند. اما دیده می‌شوند. عکس‌های این صفحه را که می‌بینید! دیده می‌شوند.

برای ثبت آثار این جنایات هولناک، کسانی از جان مایه می‌گذارند و در هنگام مناسبی به خاوران می‌روند، خاک گودال را پس می‌زنند تا اسناد مصور جنایات رژیم را که کمتر همتا دارد، تهیه کنند و به دادخواهی در پیش چشم جهانیان بگذارند. اینک این عکس‌ها در دست ماست تا این کار را دنبال گیریم و آن را در پیش چشم همه بگذاریم تا ببینند که بر مردم ما چه می‌رود. این عکس‌ها اسناد انکارناپذیری است بر همه آنچه که تاکنون گفته‌ایم، که در زندان‌های میهن ما می‌گذرد، که فقهای تبه‌کار می‌کنند، ... این عکس‌ها وجدان بشریت را مخاطب قرار می‌دهد.

جهانیان باید از وجود این اسناد آگاه شوند، همین امروز که همچنان گورها را انباشته می‌کنند. این وظیفه‌ای عاجل برای هر پوینده راه آزادی است، که در مجامع بین‌المللی آن‌ها را عرضه کند، از مطبوعات چاپ آن‌ها را بخواهد، از سازمان‌های مدافع حقوق بشر بازدید از زندان‌های ایران و یا لاقلاً از گورستان‌های ایران را بطلبد... آن‌ها را باید در همه جا عرضه کرد. باید در پیش‌روی همه نهاد تادیبه شود که بیش از ۴۰ سال پس از منکوب شدن فاشیسم هنوز جنایات فاشیستی در این گوشه جهان تکرار می‌شود و رویارویی با آن وظیفه تمامی انسان‌هاست.

خبرنگار جنبش باشیم

بقیه از صفحه آخر

خبررسانی یک وظیفه انقلابی

بی گمان همه یادین عکسهای تکان دهنده گور جمعی اعدام شدگان اخیر، نسبت به مبارزینی که این عکسها را تهیه و به یک وظیفه انقلابی خود، بهترین نحو عمل کرده اند، احساس احترام و قدردانی می کنیم. این مبارزین با تهیه این عکسها زمینه رسوایی بیشتر رژیم را فراهم آورده اند.

خبررسانی، یک وظیفه انقلابی است، چراکه یک هر چه مهم مصاف دو جبهه مردم و رژیم، مصاف بر سر خبر است، بر سر "اطلاع" است. یک کارکرد اصلی دستگاه ایدئولوژیک دولت دروغ پراکنی است. نیروی انقلابی در برابر، می خواهد مردم در جریان واقعیات، بویژه آن واقعیاتی که رژیم سعی ویژه ای در پنهان کردن آنها دارد، قرار گیرند. حکومت در مورد بسیاری از مسائل دروغ می گوید، خبرهای تحریف شده ای انتشار می دهد و یا اساساً سکوت می کند. جنبش باید بتواند در این هر چه به مصاف با رژیم برخیزد. نیروی مقابل از امکانات وسیعی برای دروغ پراکنی برخوردار است. ضعف ما در مقابل دشمن تنها با افشاکری موثر، هدفمند، به موقع سیستماتیک بر طرف می شود و یا دقیق تر بگوییم تا حدودی قابل بر طرف شدن است. جنگ بر سر "خبر" دقیقاً از قوانین عام دیگر هر چه های مبارزه انقلابی پیروی می کند. شاید یک ویژگی مبارزه در این هر چه مشخص، شکل "چریکی" آن باشد. نیروی انقلابی قادر نیست هم زمان به تمام سنگربهای دشمن حمله برد. بنابر مقتضیات و امکانات، امروز این و فردا آن سنگر را مورد هجوم قرار می دهد.

هر ما را عصر "اطلاع" (انفرمسیون) نیز نام نهاده اند. همین خود نشان دهنده اهمیت "مبارزه خبری" است. کسب خبر و انتشار آن را باید یک محور اصلی مبارزه دانست و فرعی تلقی نکرد.

در راه تشکیل

یک "جبهه خبررسانی"

اصطلاح "جبهه خبررسانی" ممکن است عجیب و ناآشنا به نظر آید ولی واقعا همه باید در راه تشکیل چنین جبهه ای بکوشیم ما در اینجا رسمیت، تشکیلات و موافقت نامه خاصی را در نظر نداریم و منظورمان بیشتر تلاش برای غلبه بر سکتاریسم در خبرگیری و خبررسانی است. متأسفانه در میان سازمانهای انقلابی همکاری در جهت کسب خبر و افشای خبرهای به دست آمده بسیار نازل است. همه طرفدار "خبرهای اختصاصی" هستند و هر کس به خبرهای دیگری با کم توجهی برخورد می کند. نتیجه این سکتاریسم کم شدن قدرت تأثیر افشاکری جاست که می توانند به مراتب دامنه وسیعتری داشته باشند.

درک و وسیعتری از مفهوم خبر و گزارش

افشاکری ها همدا حول خبرهای برجسته صورت می گیرند و از این رو اغلب این تصور پیش می آید که باید همواره در مرکز یک خبر و گزارش، یک رویداد برجسته قرار گیرد. ممکن است کسی از کارخانه ای که در آن کار می کند، خبری ننویسد به این دلیل که در آن اختصاصی صورت نگرفته است. در حالی که همین موضوع صورت نگرفتن اختصاص یا حرکت به هر شکل بارز آن در یک کارخانه در یک فاصله زمانی، خود یک خبر است. بنابراین یک خبر، همواره به معنی یک رویداد چشمگیر نیست. در گزارشدهی، رویدادهای محل کار و زندگی را مسلماً می بایست انعکاس داد و در این زمینه حساسیت ویژه ای داشت. اما گزارشگر نتوانمی بایست به انتظار یک اتفاق مهم بنشیند. چشم و گوش گزارشگر باید بسیار تیز و حساس باشند. باید بتوان همل و زمینه های برانگیزاننده و یا به تعویق امکننده رخدادها را احساس و ادراک کرد. به عنوان مثال، لازم نیست به انتظار آن بنشینیم که یک حرکت

اعتراضی علیه کرانی را گزارش کنیم. می بایست نخست نمودهای کرانی را بازتاب داد، از جمله قیمت اجناس و صحبتهای مردم در صغهای تجیه کالاها را در گزارشهای خود منعکس کرد.

بنابراین اگر با مسافری که از ایران آمده است برخورد دارید، از او فقط در زمینه حادثه های برجسته، پرس و جو نکنید توجه داشته باشید که این مسافر به چه مرصه ای از زندگی مردم مسلط است. مثلاً اگر معلم است از او بیشتر در مورد وضع معلمها و مدارس بیروید. اگر از این زاویه وارد شوید، خواهید دید که این مسافر، حرفهای شنیدنی بسیاری دارد. در اینجا باز تأکید می کنیم که این خبر که مثلاً معلمها در داخل دفتر مدرسه بیشتر از چه صحبت می کنند در مقایسه با خبر یک حرکت اعتراضی آنها، به هیچ رو بیش با افتادده و کم اهمیت نیست. ما تنها با انعکاس همه دقیق زندگی مردم است که می توانیم تصویر منطبق بر واقعیتی از وضعیت کشور ارائه دهیم. تکیه صرف بر روی رخدادها و برآمدها ممکن است در صورت استمرار، منجر به درک ناصحیحی از وضعیت شود.

کسب خبر و گزارش از داخل

همه ما باید گزارشگران جنبش باشیم و در کسب خبر بکوشیم. کسب خبر و تجیه گزارش، فقط وظیفه فعالین داخل کشور نیست. از خارج از کشور نیز می توان در این زمینه کوشا بود. "اکثریت" نشریه سازمان در خارج از کشور است. خبرنگاران و همکاران این نشریه، همدا از سه طریق می توانند از داخل خبر تهیه کنند: از طریق مکاتبه، از طریق تلفن، از طریق تماس با مسافران. برای کسب خبر از طریق تلفن و نامه، حتماً می بایست به مسائل امنیتی توجه داشت. مکالمات تلفنی و مکاتبات ما باید فاقد رد امنیتی باشند. در این نحوه خبرگیری نباید ردی به دست ماورین کنترل بیفتد که برای سازمانهای مردمی و مترقی، منابع خبر و یا افرادی از مردم که ممکن است موضوع خبر باشند، فشار امنیتی ایجاد کنند. توجه به نکات امنیتی نباید دست و پای ما را ببندد. ردو بدل برخی از اخبار در مکالمات و

مکاتبات مردم، امری هادی است. موضوع وقتی "غیر امنیتی" می شود که ما از یک فرد زیر فشار امنیتی، انتظار برخوردی همچون یک فرد هادی را داشته باشیم و یا از یک فرد هادی سئوالاتی غیر هادی بپرسیم.

با توجه اکید به آنچه که در بالا گفته شد، می بایست به موقع از تلفن هم برای خبرگیری استفاده کرد. وقتی مساله عاجل و به اصطلاح "داقی" پیش می آید، خبرگیری از طریق تلفن در همان حدی که "هادی" است یک شیوه خبرگیری سر یعاً اثر بخش است. مکاتبه، شیوه اصلی خبرگیری است. ما در خارج از کشور، از دو طریق می توانیم توسط نامه خبرگیری کنیم. یک شیوه، استفاده سیستماتیک است. منبع خبری ما لازم است بیاموزد که در درجه نخست آدرس فرستنده را در پشت پاکت، غیر واقعی قید کند و هیچ ردی از خودش در نامه بر جای نگذارد. علاوه بر این منبع خبری نباید نامه اش حاوی اسامی و نکات رددار باشد. این شیوه تا همین خبر از چنین منبعی را از آترو سیستماتیک می نامیم که منبع خبری ما آگاهانه، مسئولانه و بطور مرتب گزارشهای خود را برای ما ارسال می کند. چنین گزارشگری در صورت ماهر بودن می تواند اخبار خود را با استفاده از اشکال مختلف نامرئی نویسی ارسال نماید.

شیوه دیگر کسب خبر از طریق مکاتبه، شیوه اتفاقی (غیر سیستماتیک) است. معمولاً افراد نامیل در نامه های هادی خود خبرهایی را برای ما می فرستند. آنها در این زمینه تعهد خاصی ندارند و به دلیل هلاقی شخصی خود این کار را انجام می دهند. همین خبرهای پراکنده آنها نیز می تواند قابل توجه باشند. ما می توانیم با برخورد های فعال خود باز دهی این منابع خبری اتفاقی و پراکنده را بالا ببریم. اگر در جریان نامه نگاری به خبرهای آنها علاقه مندی نشان دهیم، خواهان نوشتن خبرهای بیشتر و همراه با ذکر جزئیات، از سوی آنها باشیم، مسلماً آنها منظمتر و بیشتر برای ما خبر خواهند نوشت. فرض کنیم برادر ما کارمند اداره ای باشد. مطلع می شویم که او را اخراج کرده اند. کاملاً طبیعی است که در مکاتبه از او بپرسیم کی اخراج شد، به چه

پیاموزیم که به شیوه‌های نوین بیان‌دیشیم

دلیل اخراج شد، چند نفر دیگر اخراج شدند، واکنش خود او و دیگران در برابر این موضوع چگونه بود و نظایر اینها.

علاوه بر دو شیوه استفاده از تلفن و نامه، از طریق تماس با مسافری که از داخل آمده‌اند نیز می‌توان خبر کسب نمود. اصولاً هیچ فرصتی را برای ملاقات با مسافرین نباید از دست داد. ما از طریق گتکو با مسافرین - گتگوی بابرنامه، جنت دار، متدیگ و نه پراکنده - می‌توانیم تجسم فضای داخل در ذهن خود را واقعی‌تر و دقیق‌تر سازیم. معمولاً مسافرین - اگر به لحاظ سیاسی پخته نباشند - در برخوردی با مسافرین اولیه، صحبت‌هایشان در زمینه وضعیت داخل ممکن است با مقداری غلو همراه باشد و یا تناسب مجموعه پدیده‌ها و وقایع را رعایت نکنند. این امر، به لحاظ روانی هادی است. آنها حس می‌کنند که از داخل یک محبس بیرون جسته‌اند. باید گذاشت که راحت صحبت کنند و آنگاه بطور دقیق می‌بایست از آنها سئوالات معین و بهج پیوسته‌ای را پرسید. پرسش‌های ما از مسافرین هادی می‌تواند در دو زمینه باشد: مسائل عام زندگی مردم (سرکوب و اختناق، گرانی، بیکاری...) و مسائل خاصی که در حیطه شفلی و چار چوبه زندگی این افراد مشخص می‌گنجد. اگر فردیز شک است، از وی در مورد وضعیت پزشکان و مسائلی که با آنها مواجه هستند بپرسید، اگر کارمند اداره خاصی است به سئوالاتی که وی امکان و صلاحیت پاسخ دادن به آنها دارد، بپردازید...

کسب خبر تنها نباید محدود به رویدادهای داخل کشور باشد. خیل عظیمی از ایرانیان در خارج از کشور اقامت دارند. وضعیت زندگی و مسائل و مشکلات آنها باید در گزارشهای خبری ما جای خاص خود را داشته باشد. علاوه به هیچ رو از فعالیت‌های رژیم در خارج از کشور نیز نباید غافل بود و از این رو باید برای کسب خبر از این فعالیتها، سازماندهی کرد تا بتوان از توطئه‌های عوامل حکومت در خارج پرده برداشت. ما در شماره آینده نشریه این مقاله را با پرداختن به چگونگی و محورهای گزارشگری در خارج از کشور ادامه خواهیم داد. ادامه دارد

لودیا تاتیل بویم، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی شیلی که تا زمان کودتای ۱۹۷۳، عضو مجلس سناي این کشور نیز بود، اخیراً در آستانه برگزاری فراندیم ریاست جمهوری، به کشورش بازگشت. تاتیل بویم در مقاله‌ای که در "پراودای" ۶ سپتامبر ۱۹۸۸ به چاپ رسیده است به بررسی برخی مسائل و جوانب مبارزه کمونیستها در آمریکای لاتین پرداخته است. نشر ده این مقاله را میخوانیم:

تقریباً همه احزاب برادر سابقه‌ای ۷۰ ساله دارند و به‌مثابه پیشاهنگ واقعا انقلابی، آزمون خود را از سر گذرانده‌اند. متأسفانه نفوذ آنها در سالهای اخیر کاهش یافته‌است. با اینکه احزاب کمونیست آمریکای لاتین، امروز نیز نیروی مهمی در جنبش کارگری و در میان همه نیروهای چپ محسوب میشوند، بسیاری از آنها نقشی را که تا بحال داشته‌اند، از دست داده‌اند.

این موقعیت ما را اهمیتاً نگران میکند. از این رو، احزاب مادر حال حاضر میکوشند کار خود را مورد بازنگری و تغییر قرار دهند. دیدار منطقه‌ای مونته‌ویدئو نیز تحت تاثیر اندیشه چنین تجدیدنظر نقادانه‌ای قرار داشت. ارزیابی واقع‌بینانه از خطاهای گذشته، یافتن راه‌های موثر اصلاح آنها و ایجاد شرایطی برای اینکه بتوانیم با امید به آینده بنگریم - این است الزامات زمان ما.

ما نباید از نظر دور بداریم که امپریالیسم آمریکا پیوسته شیوه‌های فریبکارانه جدیدی برای تکه‌داستن اکثریت کشورهای آمریکای لاتین در وابستگی بکار می‌بندد. خلفهای کشورهای ما تنها زمانی به استقلال ملی و آزادی واقعی دست خواهند یافت که با شیوه‌های خود، وسایل و اشکال نوین بیکار رهایی بخش خود، به چنین تلاشهایی پاسخ دهند. در این رابطه باید برای نقش و مسئولیت کمونیستها اهمیت زیادی قائل شد. ما باید قبل از هر چیز به مارکس و انگلس و لنین برگردیم، به آن اصول و نصیحتی که آنها برای ما به ارث گذاشته‌اند. ما باید بشدت در این

جست بکوشیم که این آموزش را خلاقانه بر ویژگیهای هر کشور انطباق دهیم. اما نباید از در سنامه‌های قدیمی پیروی کنیم. خود زندگی ما را وامی‌دارد که هادت کپی‌بردن تجارب دیگران و تقلید بدون فکر را رد کنیم. هر چقدر که شباهت یک انسان به دیگری کم است، شباهت یک انقلاب به دیگری هم کم است. اما این به هیچ وجه بدین معنی نیست که ما به اهمیت و در سنجای انقلابهای دیگر کم بها میددیم. باید با مغز خود اندیشید و بر روی پای خود ایستاد. بدون تحلیل همیق هر موقعیت، در دوران نمی‌توان سیاستی جدید را دنبال کرد. وظایف مهمی پیچیده و بسرعت متحول مبارزه رهایی‌بخش ضد امپریالیستی را نباید در چاقوب تنگ اندیشه کینه سیاسی نگریست ما باید از "سیاه و سفید بینی" سیاسی فاصله بگیریم و پیاموزیم که به شیوه‌ای نوین بیان‌دیشیم.

هر چقدر این اعتراف تلخ باشد، باید اذعان کنیم که نگرش ما به جهان، در بسیاری از موارد نادرست بود. ما تنها آن چیزهایی را میددیم که میخواستیم ببینیم و به نوعی، دچار کور رنگی بودیم. این در حالی است که در دهه‌های اخیر، اوضاع در کشورهای تازه ما دچار تغییر اساسی شده‌است. اما کم نیست مواردی که در آن ما همان شعارهای حفظ شده قدیمی را که دیگر توده‌ها آنها درک نمی‌کنند، تکرار می‌کنیم و مردم را بکارهایی فرامیخوانیم که دیگر به آن هلاکتهای ندارند. شرایط تغییر کرده است. نیروهای نوینی به صحنه سیاسی قدم گذاشته‌اند، میان آنها و کمونیستها، اختلافات معینی وجود دارد. اما دلیلی وجود ندارد که ما علیه این نیروها موضعگیری کنیم. برعکس، ما منافع مشترک زیادی داریم. مثلاً در روند کونتا دورا (ابتکار برخی کشورهای آمریکای لاتین برای صلح در آمریکای مرکزی - اکثریت) دولتها و احزابی شرکت دارند که نظرات و اهدافشان بانظرات و اهداف ما

متفاوت است. اما این نیروها می‌خواهند که مسائل خانه آمریکای لاتین بدست کسانی حل شود که در این خانه زندگی میکنند. آیا این نکته، نمیتواند نقطه شروعی برای همکاری با این گروه‌ها باشد؟ تغییرات مهم صحنه سیاسی جهان امروز، و وظایف نوین و هالیتری در برابر کمونیستها و همه نیروهای ضد امپریالیستی قرار میدد. همه ما باید دانش خود را گسترش بخشیم، زیرا یک مبارز به لحاظ سیاسی آموزش نیافته در موقعیت امروز هیچگونه امکان موفقیت ندارد.

یک ضعف جنبش کمونیستی به نظر من اینست که ما به اندازه کافی روبرو با روشنفکران برقرار نکرده‌ایم.

بیادآوریم که در سالهای پیش از جنگ با فاشیسم و در جریان آن، چهره‌های مشهور فرهنگ جهان همراه با کمونیستها و سایر ضد فاشیستها هم‌میکردند. متأسفانه اکنون می‌بینیم که این وضع تغییر کرده‌است، اما نه در جهت مثبت. در همین حال همه جا، از جمله در آمریکای لاتین، نقش روشنفکران و نیز دانشجویان افزایش یافته است. اقشار میانی وزن بیشتری می‌ابند. بیدلیل نیست که در اطلاعیه پایانی اجلاس مونته‌ویدئو بر اهمیت زیاد تلاشهای کمونیستها برای تفاهم متقابل با احزاب و سازمانهای ترقیخواهی که نمایندگان روشنفکران، دانشجویان و سایر گروه‌های اجتماعی‌اند، تاکید میشود.

میخواهم همانگونه که در اجلاس اروگوئه نیز خاطر نشان شد، تاکید ویژه‌ای بر تاثیر نیرومند سازی در اتحاد شوروی بر جنبش کمونیستی و کل جنبش ضد امپریالیستی جهانی بعمل آورم. این روند، برای مسائل نوین و دشواری که در عمل، فرا روی کمونیستهاست اهمیت فراوانی دارد

زمان از کمونیستها می‌طلبد که تماسها میان خود، تبادل تجربه و همبستگی بین‌المللی را تقویت کنند و گسترش بخشند این است تضمین تحقق اهداف بزرگ ما.

زبان اسپرانتو چیست؟

بورژوازی فرانسه و روسیه گسترش یافت، بعداً مورد استقبال کارگران قرار گرفت برخی فعالین جنبش بین‌المللی کارگران با یادگیری زبان ساده اسپرانتو می‌کوشیدند مکاتبه میان خود را آسان‌تر کنند. می‌گویند لنین، اسپرانتو را "لاتین کارگران" نامیده است.

سالهای پس از جنگ جهانی اول، دوره اصلی رونق اسپرانتو بود. نشریات کارگری به درج مقالات و نامه‌ها به زبان اسپرانتو می‌پرداختند. جشنواره‌های بین‌المللی محل تکلم و ارتباط به زبان اسپرانتو بود. در سال ۱۹۳۲، ۵۵۰۰ کارگر عضو کلوبهای اسپرانتو بودند، اما رقم واقعی کسانی که این زبان را می‌دانستند، بیشتر بود.

ظهور نازیسم و جنگ جهانی دوم، باعث از هم پاشی کلوبهای اسپرانتو شد.

اخیراً صدسالگی زبان اسپرانتو جشن گرفته شد. صدسال پیش، لودویگ زامنوف چشم پزشکی اهل ورشو، نخستین کتاب درسی خود در باره یک زبان بین‌المللی را با نام مستعار "اسپرانتو" (امیدوار) منتشر کرد. زامنوف که خود دارای اصل و نسب یهودی بود، از جوانی شاهد محیطی بود که در آن روسها، لهستانی‌ها، آلمانی‌ها و یهودی‌ها زندگی می‌کردند. روابط این ملیت‌ها با یکدیگر، بر اثر تبلیغات شوونیستی بورژوازی دوستانه نبود زامنوف از این شرایط رنج می‌برد. وقتی او با انتشار نخستین کتاب اسپرانتو به رویای دیرینه‌اش تحقق بخشید، امیدوار بود از این طریق بتواند بدون اولویت دادن به یک زبان خاص، تفاهم میان ملل مختلف را سهل‌تر کند.

جنبش اسپرانتو که در آغاز صرفاً در میان محافل روشنفکری



بازیگران و تماشاکنندگان شطرنج، همه جادر کوچک و خیابان

سخن روز

"مسیح را هم مردم درک نکردند."

پینوشه دیکتاتور شیلی
پس از شکست در همه‌پرسی

تاچر و نقشه‌هایش

رهبر معدنچیان بریتانیا را کت‌بسته برای اعدام میبرد و گشودن قبر صاحبان معادن، به یکی از آنها می‌گوید: "بلند شو، نخست وزیر می‌خواهد کس دیگری را به جای تو چال کند."

حزب محافظه‌کار تاچر نخست‌وزیر انگلیس، نقشه خصوصی کردن معادن زغال سنگ انگلیس را در سر می‌پروراند. کاریکاتوریست روزنامه گاردین بدین مناسبت طرحی کشیده است که در آن، تاچر، آرتور اسکارگیل



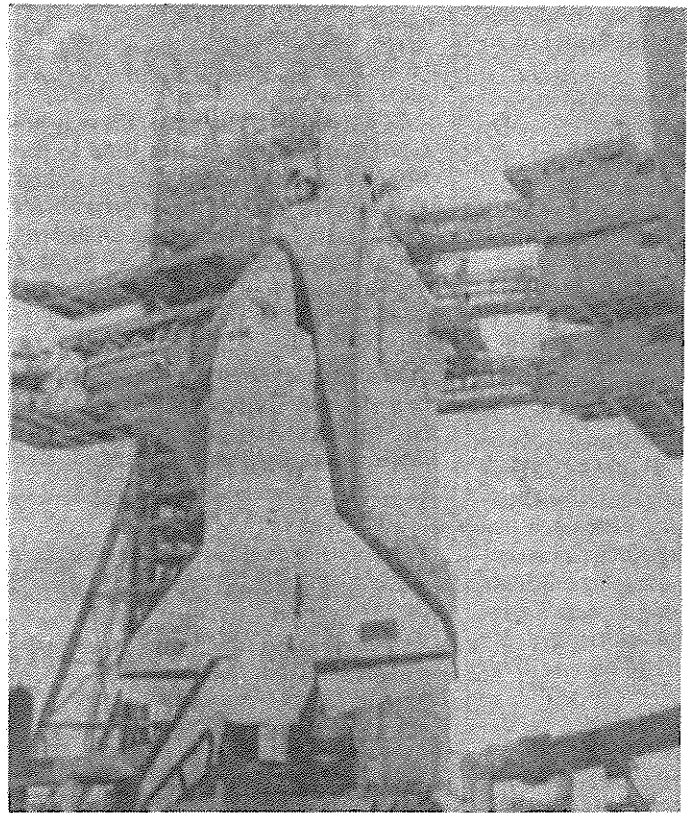
ادامه دعوا بر سر آلات موسیقی و شطرنج

می‌شود... نمی رسول‌الله من اللعب با شطرنج... بنابراین استفاده می‌کنم که نی‌زدن حرام است چه نی آلت مختصه باشد یا مشترک و بازی شطرنج حرام است چه آلت تمار را از دست بدهد یا نه." (کیهان ۱۳ مهر)

خمینی در پاسخ به این آخوند ضرورت ناشناس و ناتوان از تشخیص مصلحت خشمگینانه پاسخ داده است: "... آنگونه که جنابعالی از اخبار و روایات برداشت دارید تمدن جدید بکلی باید از بین برود و مردم کوخ‌نشین بوده یا برای همیشه در صحراها زندگی نمایند... شما را نصیحت پدرا نه می‌کنم که سعی کنید تنها خدا را در نظر بگیرید و تحت تاثیر مقدس‌نماها و آخوندهای بی‌سواد واقع نشوید چرا که اگر بنا است با اعلام و نشر حکم خدا به مقام موقعیتان نزد مقدس‌نماهای احمق و آخوندهای بی‌سواد صدمه‌ای بخورد بگذارید هر چه بیشتر بخورد."

تصور بر این بود که با اعلام فتوای خمینی دایر بر اینکه "خرید و فروش آلات مشترک (آن آلات موسیقی که هم در موارد حلال! و هم در موارد حرام! بکار برده میشوند) به قصد منافع محله (استفاده مشروع) آن اشکال ندارد"، و اینکه "اگر شطرنج... همراه با برد و باخت نباشد، بازی با آن اشکالی ندارد." دهوای مدرسین و حکومتیان بر سر آلات موسیقی و شطرنج تخفیف یابد اما شواهد نشان میدهد، تعدادی از آخوندهایی که ضرورت‌های سیاسی برخی کوتاه آمدن‌ها را درک نمی‌کنند همچنان بر "حرمت" این اموراصرار دارند. حجت‌الاسلامی به نام قدیری طی نامه‌ای به "امام" خود به فتوای او اشکال گرفته و نقلی از "امام صادق" آورده و نوشته است که: "قال رسول‌الله (ص) آنها که من الزفن و المزمار و من الکویات و الکرات... زفن به معنای رقص است. مزمار نامی است که مطلق نی را شامل

نخستین کشتی فضایی شوروی



فرود آنها، مانند هواپیما انجام می‌گیرد.
نخستین کشتی فضایی شوروی، "بوران" (در روسی بوران و کولاک بهمانند فارسی، "بوران" نامیده می‌شود) نام دارد و در نخستین پرواز، سر نشین نخواهد داشت.

برودی، نخستین کشتی فضایی شوروی پرواز اول خود را انجام خواهد داد. کشتی فضایی به سفینه‌هایی گنجه می‌شود که پس از پرواز و بازگشت به زمین، بار دیگر می‌توانند با استفاده از موشک به فضا پرتاب شوند. بازگشت این کشتی‌های فضایی به جو زمین و

زنده به خون خواهیت هزار سیاوش

شهری از میرزا ابوالقاسم عارف قزوینی که درسوک قتل کلنل محمدتقی خان پسیان سروده شد.

زنده به خون خواهیت هزار سیاوش
کردد از آن فطره خون که از نوزندجوش
عشق بایران بخون کشیدت و این خون
کی کند ایرانی ار کسی است فراموش
دارد اگر پاس قدر خون تو زبید
کردد ایران هزار سال سیه پیوش
همسری نادرت کشاند به جانی
کار که تا نادرت کشید در آغوش
از پی کسب شرف کشید شرافت
تا نفس آخر از نو عاشریه بر دوش
شعله شمع دلاوری و رشادت
کشت در این ممالکت ز بعد تو خاموش
جامه تنگین لکه دار به تن کرد
دوخت هر آن بی شرف به قتل تو پایوش
سرسرخود به خاک بردی و برداشت
از سر و سر تو نبش قبر تو سر پیوش
قبر تو گر نبش شد چه باک به یادت
ریخته در مغزها مجسمه هوش
بلبل، و عارف ز داغ مرگ تو خاموش
هست شد از عشق کل به نغمه در آمد
برگرفته از "مجموعه غزلیات عارف" به تدوین مهین الدین محرابی

بقیه از صفحه ۴

تحقیقاتی که در اختیار دانشگاه قرار می‌گیرد خود دولت است، در بودجه دولت فقط ۲٪ برای تحقیقات اختصاص می‌یابد در حالی که بودجه تحقیقاتی در انگلستان ۲/۵ درصد، آلمان فدرال ۴/۴ و شوروی ۴/۶ درصد است. همین مبلغ اندک نیز "با وجود قوانین دست و پاگیر" قابل جذب نیست.

از میان دیگر رویدادها

تبر اساس گزارش کمیته جمعوری اسلامی، صادرات کالاهای غیر نفتی ایران طی مدت پنج ماهه اول سال جاری ۳۱۱ میلیون دلار بوده است. ارزیابی آمار صادرات با سال قبل نشان می‌دهد که طی این مدت صادرات غیر نفتی ۹ درصد از لحاظ وزن و ۲۸ درصد از نظر ارزش ارزی که باید عاید کشور می‌شد کاهش داشته است. درآمد جمهوری اسلامی بر اساس آمار رسمی طی سال ۶۶ از طریق صادرات غیر نفتی ۱/۲ میلیارد دلار بوده است.

اطلاعات مشاور معاون پژوهشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی در گذشته بسیاری از دانشگاهها بخش تحقیقات نداشتند و اکنون اگر هست شکل صوری دارد. زیرا تحقیقات به ابزار، بودجه، تجهیزات و فراقت استاد نیازمند است. استادان دانشگاهها چنان بار آموزشی سنگینی را طی چند شیفت تدریس متحملند که فرصت تحقیق برایشان نمی‌ماند. از نظر خرید تجهیزات حتی برای خرید یک وسیله کوچک آزمایشگاهی باید گرفتار بیچ و خم اداری طولانی شد که انسان را ناامید می‌کند. بودجه هم به اندازه‌ای ناچیز است که جای بحث ندارد. طبیعی است باین وضعیت و امکانات، تحقیقات هم ناچیز باشد. دانشگاه صنعتی امیرکبیر که ۴۵۰ دانشجوی فوق لیسانس دارد کل بودجه تحقیقاتیش ۴۵ میلیون ریال است یعنی هر دانشجو فوق لیسانس یکصد هزار ریال " اصلی ترین تامین کننده بودجه معاون پژوهشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی می‌گوید: " اصلی ترین تامین کننده بودجه

ممنوعیت و محدودیت ورود کتاب باهناوین مختلف و برای گروه‌های علمی متفاوت نه تنها به علل سیاسی و ایدئولوژیک رژیم اسلامی بلکه بخاطر کمبود ارز نیز اهمال می‌شود. در حال حاضر سالیانه برای پزشکان و استادان ۴۰۰ دلار، دانشجویان فنی و پزشکی ۲۰۰ دلار و با همین نسبت کاهش به سایر دانشجویان سهمیه ارزی برای تهیه کتاب و منابع علمی مورد نیاز تعلق می‌گیرد این رقم نسبت به سال ۶۱، حدود ۵۰ درصد کاهش یافته است.

برای تحقیقات علمی دانشگاهها

بودجه نمی‌دهند

در دانشگاهها کیفیت آموزش، پژوهش و تحقیق به شدت در حال نزول است و دولت تنها به آن بخش از فعالیت های دانشگاه توجه دارد که مستقیماً در خدمت نیازهای نظامی باشد. طبق

خبرنگار روزنامه "عصر ما" ارگان حزب کمونیست آلمان فدرال که اخیراً از سفر خود به آلبانی بازگشت، مشاهدات و شنیده‌هایش را در گزارشی خلاصه کرده که در شماره‌های اول تا سوم نوامبر این روزنامه به چاپ رسیده است. نظر به کمبود مطلق اطلاعات در مورد این کشور منطقه بالکان، بخشهایی از آن را درج می‌کنیم.

سوسیالیسم واقعا موجود، امروز به اشکال بسیار گوناگون وجود دارد. در آلبانی، بسیاری چیزها در دنیا مانند ندارد. در سال ۱۹۶۷ در آلبانی همه ادیان "لقو" شد. در قانون اساسی کشور، منع پذیرش وام از خارج ثبت شده است. شهر وندان آمریکا و شوروی حق ورود به آلبانی را ندارند. در آلبانی چیزی به نام مالیات وجود ندارد. از اتومبیل شخصی هم خبری نیست. وانگجل دوشی، استاد اقتصاد دانشگاه تیرانا می‌گوید: "مردم آلبانی خود را سعادتمند می‌دانند. زندگی در اینجا، هدیه‌ای از طرف حزب و رفیق انور خوجه است." سفر به آلبانی، سفر به گذشته است. به نظر می‌رسد در آلبانی زمان متوقف شده است، نه تنها به علت تعداد زیاد گاری‌های اسبی و گاوی در جاده‌ها، تجهیزات کارخانه‌ها و حمایت زیاد از موسیقی فولکوریک، بلکه همچنین به لحاظ سیاسی.

مجموعه‌های استالین در شهرها اهمیت صرفاً سمبلیک ندارند. اثر استالین بنام "مسائل اقتصادی سوسیالیسم در اتحاد شوروی" امروز نیز مبنای تئوریک مهمی برای اقتصاد کشور است. بنای مجتمع ذوب آهن "نولاد حزب"، کار داوطلبانه دهها هزار جوان برای تبدیل اراضی بایر به مزارع پرتقال و زیتون و بسج آنها برای برق‌کشی به مناطق کوهستانی، همه و همه با انجام از سر مشق دوره استالین در اتحاد شوروی انجام گرفته‌اند.

مردم آلبانی از آنچه ساخته‌اند احساس شرور می‌کنند. استقلال ملی مایه مباحثات آنهاست. در سال ۱۹۴۴، وقتی آلبانی آزاد شد، محب مانده‌ترین کشور اروپا بود. مالاریا بیداد می‌کرد. ۸۵ درصد افراد بالغ بی‌سواد بودند. صنعت و طبقه کارگر وجود نداشت. رشد سوسیالیستی، با تکیه بر منابع ملی کشور مانند زغال سنگ، سنگ آهن، کروم، نیکل، نفت و نیروی آب و

کمک سایر کشورهای سوسیالیستی، آلبانی را به یک کشور صنعتی - کشاورزی تبدیل کرده است. اگرچه امروز برخی د کفایی آلبانی در این کشور تاکید بسیار می‌شود، اما واقعیت این است که بدون کمک اتحاد شوروی و بعدا چین، آلبانی نمی‌توانست به سطح کنونی رشد برسد.

پر شور و انترناسیونالیست پیگیر" چندین مجسمه جدید از او پرده برداری شد، اشعار تازه سروده و فیلم‌های جدید ساخته شد. رازهای، رهبر کنونی حزب نیز جای ویژه‌ای بر روی پلاکاردها و پوستره‌های تبلیغاتی دارد. حزب کار آلبانی، مدیریت مستقیم اقتصاد را برعهده دارد.



در آلبانی چه میگذرد؟



این رشد برق آسا، جایی برای شک و تردید نگذاشته است، الکساندر لاجی، ۳۳ ساله، تکنسین مخابرات، اهل تیرانا و عضو حزب کار، گزارشها در مورد جنایات هنگام زمامداری استالین را دروغ محض می‌داند و می‌گوید: "در آن زمان هیچ کس بیگناه مورد تعقیب قرار نمی‌گرفت. اما امروز، در زمان کار با جف، انسان‌ها را بیگناه به زندان می‌اندازند." نمی‌توان او را از این عقیده برگرداند. بحث بی‌فایده است.

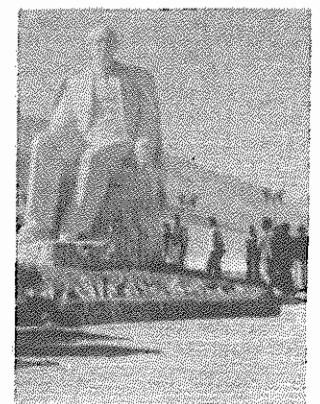
در سال ۱۹۶۱، روابط آلبانی با شوروی توسط آلبانی قطع شد. از آن زمان تاکنون، کمتر تغییری در تیرانا روی داده است. نوسازی در اتحاد شوروی را "کارزار هوام - فریبانه" می‌دانند که هدف از آن، انحراف اذهان از "احیای نظام سرمایه‌داری" است. چین هم متعمم به "مسخ کامل رویزیونیستی" می‌شود این معنای، در میان مردم پایگاه مستحکمی دارد. مثلا در جشنواره فولکور امسال، اشعار بجوامیز در باره پرسترویکا با استقبال هزاران تماشاچی روبرو شد.

"حزب مساوی است با انور". این تساوی در آلبانی همه جا مشهور است. کیش شخصیت انور خوجه که برای یک فرد خارجی به هیچ وجه قابل درک نیست، در زمان حیات انور خوجه آغاز شد و از هنگام مرگ او در سال ۱۹۸۳ به بعد، شدت هم یافته است. به مناسبت ۱۶ اکتبر، هشتادمین زادروز انور خوجه "شاگرد وفادار و ادامه‌دهنده راه مارکس، انگلس، لنین و استالین، رهبر قهرمان خلق، نماینده واقعی روح آزادیخواهی آلبانی، میهن پرست

وانگجل دوشی، استاد اقتصاد دانشگاه تیرانا می‌گوید: "حزب مرکز اشتباه نکرده است. حداکثر، در صفوف آن دشمنانی وجود داشته‌اند که باعث سردرگمی شده‌اند." پس همه مشکلات برنامه‌های اجرا نشده، تنگنای توزیع، شایعه "جاسوسان خارجی، دشمنان حزب و مرتدان" است؟

برای الکسا ندر لاجی، تکنسین مخابرات نیز همه چیز روشن است. او شماری از سیاستمداران، اعضای دفتر سیاسی و نظامیان را نام می‌برد که همه ظرف ۴۵ سال گذشته بعنوان "جاسوسان دشمن" "افشا" شده‌اند. "پلید"ترین آنها، "محمد شیخو، جاسوس چند جانبه" بوده است.

شیخو که سالها نخست وزیری آلبانی را برعهده داشت و هم‌رمز انور خوجه محسوب می‌شد، در دسامبر ۱۹۸۱ بطور اسرار آمیزی کشته شد. مقامات آلبانی علت مرگ او را "خودکشی بدنبال بحران



مجسمه انور خوجه در همه جا دیده می‌شود

عصبی" اعلام کردند. در ماه‌های پس از مرگ شیخو، تصفیه بی‌رحمانه‌ای در رهبری حزب انجام گرفت. چندین وزیر اهدام و برخی دیگر به حبس‌های طولانی مدت محکوم شدند. الکساندر لاجی می‌گوید: "شیخو می‌خواست یک مشی رویزیونیستی به حزب تحمیل کند. در حزب نباید دو مشی وجود داشته باشد."

مردم آلبانی، بهای مشی رهبری را با محرومیت از مصرف می‌پردازند. البته نیازهای اولیه آنها تامین می‌شود. سیستم بهداشت و آموزش، نسبتاً خوب است. همه روستاها لوله‌کشی آب و سیم‌کشی برق دارند. اما اشیایی مانند گرما فون، اتومبیل، یخچال و دوربین عکاسی برای یک فرد عادی قابل دسترسی نیست. در توزیع کالاهای مصنوعی (مثلا صابون و نفت چراغ خوراک پزی) تنگنا وجود دارد. منابع ارزی کشور صرف خرید کالاهای بسیار ضروری می‌شود.

اما به نظر می‌رسد در رهبری آلبانی نیز در مورد تغییرات ضروری اقتصادی تفکری آغاز شده است. در برنامه پنج ساله جدید قرار است ۷۵ درصد رشد از طریق افزایش بازده کار و شیوه‌های بهتر مدیریت تحقق یابد. علاوه بر تشدید کنترل مرکزی، قرار است جلب هلاقه کارکنان به تولید بیشتر از طریق تشویق مادی نیز وزن بیشتری یابد. در گذشته، چنین سیاستی همواره "انحراف رویزیونیستی" قلمداد می‌شد. در کشاورزی، تغییرات بیش از هر مرصه دیگری بوده است. همین چند سال پیش، مایملک شخصی دهقانان عضو تعاونی‌ها را بعنوان "بقیای گذشته" لقو کردند. اما اعتراض دهقانان که ترجیح می‌دادند دام‌های خود را سرببرند تا اینکه آنها را در اختیار تعاونی بگذارند، به کمبود گوشت در کشور انجامید. سال گذشته، مقررات جدیدی تصویب شد که طبق آن، دهقانان کالخوزی می‌توانند دام داشته باشند و گوشت آن را به حساب شخصی بفروشند. افزایش تولید گوشت در سال گذشته به میزان ۷ درصد را نتیجه این "آزمایش" می‌دانند.

در سیاست خارجی نیز حرکت‌های احتیاط آمیزی دیده می‌شود. اینکه این تغییرات تا چه حد پیش خواهد رفت، آینده نشان خواهد داد.

رفراندوم در الجزایر

در روز پنجشنبه سوم نوامبر، در الجزایر رفراندومی در مورد تغییر قانون اساسی این کشور برگزار شد. طبق آمار رسمی، از ۱۲/۶ میلیون الجزایری واجد شرایط، ۸۳/۵۸ درصد در این همه پرسی شرکت کردند و از میان رای دهندگان، ۹۲/۷۲ درصد به تغییر قانون اساسی رای دادند.

به موجب تغییرات جدید، نخست وزیر اختیارات بیشتری می‌یابد، نخست وزیر از این پس در برابر پارلمان مسئول خواهد بود و نه در برابر رئیس‌جمهور. در آستانه رفراندوم، شاذلی بن جدید رئیس‌جمهور الجزایر رسماً از بازماندگان ۵۰۰ قربانی سرکوب تظاهرات روزهای نخست ماه اکتبر عذر خواهی کرد، زندانیان سیاسی آزاد شدند و مطبوعات شروع به درج مقالات انتقادی کردند.

گروه‌های اپوزیسیون، از جمله گروه‌های چپ و افراطیون اسلامی، دعوت به تحریم رفراندوم کرده بودند.

پیشنهاد جدید رهبری افغانستان

نجیب‌الله رئیس‌جمهوری افغانستان طی نطقی در پارلمان این کشور، پیشنهاد کرد که افغانستان منطبق بر نظامی غیر نظامی اعلام شود و بدین منظور، تضمین‌های مطمئن بین‌المللی ایجاد شوند. به موجب پیشنهاد جدید رهبری افغانستان، یک کنفرانس بین‌المللی در مورد افغانستان به سرپرستی سازمان ملل متحد می‌تواند محل مناسبی برای بررسی پیشنهاد غیر نظامی کردن افغانستان باشد.

نجیب‌الله در نطق پارلمانی خود بار دیگر پیشنهاد تشکیل یک دولت ائتلافی با شرکت همه نیروهای سیاسی را مورد تأکید قرار داد.

در روز سه شنبه، برای نخستین بار در کابل موشک‌هایی به معرض نمایش درآمد که اخیراً از سوی اتحاد شوروی در اختیار ارتش افغانستان قرار گرفته است. به گفته ستاد ارتش افغانستان، این موشکها، سلاحهای عملیاتی تاکتیکی با برد زیادند که برای هدف قرار دادن مواضع گروه‌های مسلح که از آنجا، شهرها هدف حملات موشکی قرار می‌گیرد، مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

از سوی دیگر به دنبال ادامه دخالت‌های آمریکا و پاکستان در امور داخلی افغانستان، اتحاد شوروی اعلام داشت که بیرون بردن نیروهای خود از افغانستان را متوقف میکند.

در اطلاعاتیه دولت شوروی قید شده است که توقف خروج نیروهای شوروی از افغانستان تا زمان پایبندی دیگر امضاکنندگان توافقنامه ژنو به تعهدات خود ادامه خواهد یافت. این تصمیم با اعتراض دولتمای چین و آمریکا مواجه شد.

نتایج انتخابات اسرائیل

خود را در پارلمان از ۴ به ۵ افزایش دهد. ویلنر، نتایج انتخابات را "نوعی ادامه چرخش به سوی راست افراطی" نامید. وی علت این پدیده را ادامه اشغال اراضی اعراب توسط اسرائیل و عواقب شوم آن دانست. ویلنر گفت اکنون توازن تقریبی میان لیکود و حزب کارگر تحت الشعاع افزایش نفوذ راستگرایان مذهبی قرار گرفته است. این احزاب نیز مانند لیکود مخالف عقب‌نشینی از حتی یک وجب از خاک اشغالی اند. سازمان آزادیبخش فلسطین، نتایج انتخابات اسرائیل را "ضربه‌ای هرگبار به صلح" نامید. خبرگزاری فلسطینی وفادر تفسیری نوشت از آنجاکه دولت لیکود برای حفظ قدرت از این پس وابسته به افراطیون است، "باید انتظار خشونت، کینه و تروریسم شدیدتری را داشت".

در روز انتخابات، نیروی هوایی اسرائیل مناطق مسکونی فلسطینی‌ها در شهرهای صیدا و دامور لبنان را بمباران کرد. بر اثر این جنایت، حداقل ۵ تن کشته و ۱۲ تن مجروح شدند.

همزمان با سالگرد "بیانیه بالفور" (در دوم نوامبر ۱۹۱۷ لرد بالفور وزیر خارجه وقت بریتانیا با صدور بیانیه‌ای برای نخستین بار از تشکیل یک دولت یهودی در فلسطین، مستعمره آن زمان بریتانیا جانبداری کرد)، در مناطق اشغالی اعتصاب عمومی و تظاهرات سراسری برگزار شد. در خلیفه واقع در کرانه غربی رود اردن یک فلسطینی به دست نیروهای صهیونیست به قتل رسید. دولت اسرائیل در این روز واحدهای بیشتری از ارتش و پلیس خود را به کرانه غربی رود اردن و نوار فزه فرستاده تا تظاهرات فلسطینی‌ها را سرکوب کند.

در انتخابات پارلمانی که روز سه‌شنبه اول نوامبر برگزار شد، هیچ یک از احزاب سیاسی نتوانستند اکثریت کرسیهای "کنست" (پارلمان اسرائیل) را به خود اختصاص دهد. تعداد کرسیهای حزب لیکود (به رهبری اسحاق شامیر نخست وزیر فعلی) از ۴۱ به ۳۹ کاهش یافت. حزب کارگر (به رهبری شیمون پرز که از ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۶ نخست وزیر دولت ائتلافی با لیکود بود و از ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۸ در دولت اسحاق شامیر وزارت خارجه را بر عهده داشته است) ۳۸ کرسی خود را حفظ کرد، اما احزاب کوچکتر متحد این حزب که پیش از این ۱۲ کرسی داشتند، در پارلمان جدید ۱۰ کرسی خواهند داشت. بنابراین، هیچ یک از دو حزب همدم تشکیل دهنده "ائتلاف بزرگ" به تنهایی نخواهد توانست در میان ۱۲۰ نماینده پارلمان به اکثریت دست یابد.

از آنجا که شامیر تاکنون بارها تأکید کرده است که مخالف تشکیل یک "ائتلاف بزرگ" جدید است، محتمل‌ترین حالت، ائتلاف لیکود با احزاب راست افراطی و مذهبی است. سه حزب کوچک فاشیستی در این انتخابات تعداد کرسی‌های خود را از ۵ به ۷ افزایش داده‌اند. احزاب مذهبی افراطی نیز که تاکنون ۱۳ کرسی داشتند، در پارلمان ۱۸ کرسی خواهند داشت. در اسرائیل هم اکنون مذاکرات لیکود با احزاب فاشیستی و مذهبی برای تشکیل دولت جدید ادامه دارد.

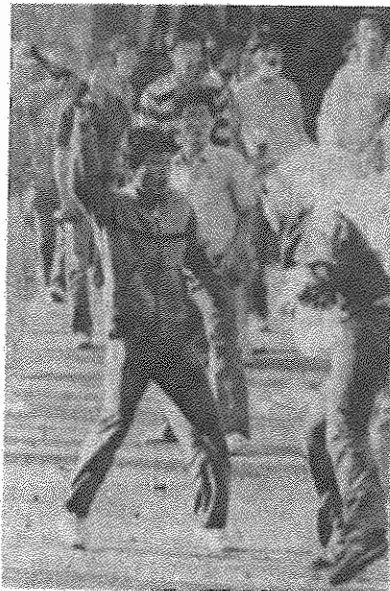
"حیچه دمکراتیک برای صلح و برابری" (خاداش) که مدیرویلنر، دبیر کل حزب کمونیست اسرائیل را در صدر فهرست نامزدهای خود قرار داده بود، توانست شمار نمایندگان

تظاهرات دانشجویی در کره جنوبی

در هفته گذشته، سئول پایتخت کره جنوبی شاهد تظاهرات دانشجویان به مناسبت انشای جزئیات بیشتری از فساد و اختلاس چون دو هوام دیکتاتور پیشین این کشور بود. پلیس به تظاهرات دانشجویان که قصد راهپیمایی به سوی خانه چون دو هوام را داشتند، حمله و این تظاهرات را متفرق کرد.

در جریان تحقیقات سه هفته‌ای پارلمان کره جنوبی، روشن شده است که چون و خانواده‌اش، نمایندگان پارلمان، نظامیان، وزرای سابق و فعلی، ماموران عالی رتبه و صاحبان صنایع در جرایمی مانند اختلاس و ارتشاء و قتل و شکنجه دست داشته‌اند. بعنوان نمونه، همسر دیکتاتور با سوءاستفاده از مقامش بعنوان رئیس یک بنیاد خیریه کمک به کودکان، بخشی از کمکهای میلیونی را به حساب خود ریخته بود.

افشاکریهای اخیر، دانشجویان را بر آن داشته‌است که خواهان دستگیری فوری دیکتاتور سابق شوند. این در حالی است که دولت و حتی اپوزیسیون پارلمانی، با این خواست مخالفند.



دانشجویان کره جنوبی با کتول مولوتف

در مقابله با پلیس

خبرنگار جنبش باشیم

به هکسهای تکان دهنده صفحات ۸، ۹ بنگرید. این هکسها سندهای گویای جنایتکاریهای رژیم خمینی اند. انتشار وسیع آنها در داخل و خارج، بر توجه افکار عمومی به آنچه که این روزها در زندانهای سیاسی ایران می گذرد، خواهد افزود. حول این سندهای گویا باید کارزار وسیعی برپا کرد. با این سندها باید پرده های تودرتوی سکوت، دروغ و فریب رادریدو نشان داد که در زندانهای سیاسی ایران چه حمام خونی به راه انداخته اند.

جمهوری اسلامی در سطح جهانی و در داخل کشور بعنوان رژیم خونریز، و ستم پیشه شناخته شده است. برای چنین رژیمی جنایت در زندانها یک قاعده و اصل وجودی است. اما صرفا با توسل به این نکته بدیهی شده نمی توان کارزار افشاکاری بر روی جنایات حکومت خمینی را پر دامنه تر کرد. باید با کسب خبرهای دقیق و انتشار آنها نشان

داد که جمهوری اسلامی هم اکنون در زندانها چه می کند و چرا بویژه در هفته ها و ماههای جاری باید هر چه بیشتر توجه افکار عمومی بین المللی را به مساله سرنوشت زندانیان سیاسی ایران جلب کرد. هر چه خبرهای ما دقیق تر و روشن تر باشد، برد افشاکاری وسیع تر است. در این زمینه همه فعالین سیاسی در داخل و خارج کشور، تجربیات فراوانی دارند. همه می دانیم بین بیان عمومی یک خبر (مثلا: رژیم بر کشتار در زندانها افزوده است)، دادن اطلاعات مشخص پیرامون آن (عدهای را کشته و در یک گور جمعی دفن کرده اند) و مستند کردن آن (مثلا با عکس) به لحاظ بردافشاکاری، هر چه تفاوتی افشاکاری وجود دارد. این نکته را می توان به صورت قاعده زیر فرموله کرد: سلاح افشاکاری خبر است. هر چه خبر روشن تر باشد افشاکاری موثر تر است.

بقیه در صفحه ۱۰

مشمولان غایب، آنهائیکه ماشین جنگی را به گل نشانند...

مشمولان متولد ۱۳۴۹، امسال به سر بازی اعزام نمی شوند و باید تا ۱۳۶۸ در نوبت بمانند. اکنون رئیس نظام وظیفه رژیم که تا چندی پیش، مشمولان غایب و سر بازیان فراری را تعدید به زندان و اعدام می کرد، می گوید "جلب مشمولین غایب فعلا مورد نیاز نیست".

شمار زیاد مشمولین غایب، گواهی بر مقاومت گسترده جوانان در برابر سیاست جنگی است. همین مقاومت، همین خودداری صدها هزار جوان مشمول از رفتن به جبهه های مرگ بود که ماشین جنگی رژیم را به گل نشانند. رژیم که اکنون با خوشحالی از رقم بالای مشمولینی که خود را معرفی می کنند، نام می برد، بطور ضمنی و بگونه ای ابهانه، برده از این واقعیت بر می گیرد که در آن زمان که واقعا به گوشت دم توپ هر چه بیشتر نیاز داشت، همین جوانان گلیرقم انواع و اقسام تهدیدها و مجازات ها، به سر بازی نرفتند.

در روز چهار آبان، رئیس اداره نظام وظیفه جمهوری اسلامی در "گردهمایی مشمولان ستادهای جلب استانهی سراسر کشور" گفت "جلب مشمولین غایب فعلا مورد نیاز نیست... باید اصل را بر شناسایی قرار داد." (کیهان ۵ آبان)

در همین گردهمایی، "حجت الاسلام فراتی دادستان نظامی تهران" بطور ضمنی به مقاومت مردم در مقابل دستگیری مشمولین اشاره کرد و اظهار داشت "جلب افراد حتما باید در روز صورت گیرد و دفاع باید متناسب با جبهه باشد".

پس از برقراری آتش بس، بسیاری از مشمولان غایب سالهای اخیر، خود را معرفی کردند. رقم این مشمولان تا عدد باور نکردنی ۶۰۰ هزار نفر نیز برآورد می شود. تعداد آنها به حدی است که به بسیاری، بلافاصله پس از آغاز سر بازی، مرخصی های طولانی می دهند. اعلام کرده اند که

در عربستان چهار انقلابی را گردن زدند

به ملت و میمن خویش و وفاداری به یک کشور بیگانه و دشمن "ذکر شد.

این چهار تن که محمد علی محمد القروص، علی الخاتم، علی الحجاج و خالد عبدالحمید حسن العلقی نام داشتند، مبارزین راه "آزادی، دموکراسی و پیشرفت" بودند.

کمیته دفاع از حقوق بشر در عربستان سعودی از همه نمایانها و سازمان های مدافع حقوق بشر خواسته است که علیه جنایت رژیم سعودی اعتراض کنند.

کمیته دفاع از حقوق بشر در عربستان سعودی با انتشار فراخوانی در تاریخ ۱۹ اکتبر خبر از جنایت تازه ای داد که زمامداران رژیم حاکم بر عربستان سعودی مرتکب شده اند. در این فراخوان آمده است که "روز جمعه ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۸ چهار شهروند (این کشور) در یکی از مراکز عمومی شهر دمن و در برابر چشمان حیرت زده شاهدان گردن زده شدند".

بر اساس یک بیانیه رسمی که توسط وزارت داخله عربستان منتشر شده، جرم این چهار نفر "الحاد و انکار مذهب، پشت کردن

تخلیه اجباری ۱۵ روستا در بانه

اجرا بودن طرح تخلیه اجباری منطقه نوار مرزی ایران و عراق را از سوی رژیم خمینی افشا کرده بود. اکنون با گزارش موثق پزشکی بین المللی، آشکار میشود که اجرای این طرح آغاز شده است. گزارش مذکور، این نکته را تایید میکند که بدنبال آتش بس در جنگ ایران و عراق، دو رژیم ارتجاعی نیروی بیشتری به سرکوب خلق کرد اختصاص می دهند. همکاری اعلام نشده خمینی و صدام حسین در جنگ علیه خلق کرد، عملا آغاز شده است. ضرورت اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی و آزادیخواه در جنبش ملی خلق کرد و در سراسر ایران و عراق برای مقابله با سرکوبگری دو رژیم هر چه بیشتر احساس می شود.

به گزارش سازمان پزشکی بین المللی "مدیکو اینترناسیونال" که مرکز آن در فرانکفورت (آلمان فدرال) است، مقامات جمهوری اسلامی تخلیه اجباری ۱۵ روستای کردنشین در نزدیکی بانه را آغاز کرده اند. طبق این گزارش، مقامات محلی رژیم هرگونه کشت و زرع در این منطقه را ممنوع کرده اند. این گزارش می افزاید اهالی سایر مناطق کردنشین ایران نیز نگران اقدامات سرکوبگرانه دیگری از سوی رژیم اند. از جمله احتمال تخلیه روستاها و شهرهای دیگری نیز که در امتداد خط جبهه قرار دارند می رود. نشریه اکثریت پیشتر در شرف

AKSARIYAT
NO. 232
MONDAY, 7 NOV, 88

حساب بانکی
AUSTRIA . WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD . ARTNER

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1910
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید